



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

شطنج از دیدگاه  
**فَأَنْعَمْتَ**  
حضرت آية الله حیدر ترمذی کربلائی  
حضرت آية الله حیدر ترمذی کربلائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت

نویسنده:

حیدر تربتی کربلایی

ناشر چاپی:

حیب

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	فهرست مطالب
۱۲	مقدمات
۱۲	اشاره
۱۵	ما آمده ایم تا بمانیم
۱۸	آنان که امر هدایت گری بر عهده دارند
۱۹	و هرگز نیاز ندارد به روز شود ...
۲۱	در این واویلاي گناه چه کنیم؟
۲۲	محبوب محبوب شویم
۲۵	شطرنج از دیدگاه قرآن کریم
۲۵	آیه یکم:
۲۵	آیه دوم:
۲۵	آیه سوم:
۳۵	آیه چهارم:
۳۷	آیه پنجم:
۳۷	آیه ششم:
۳۹	آیه هفتم:
۴۱	شطرنج از دیدگاه اهل بیت اطهار علیهم السلام
۴۱	نهی نبوی صلی الله علیه و آله
۴۲	پرده های عصمت
۴۲	حرام محض

۴۳	نزدیکش مشو
۴۳	در آتش شدن
۴۴	شطرنج و نگاه
۴۴	دستی آلوده
۴۵	شطرنج درخانه؟
۴۵	کاری یزیدی و مجوسی گری
۴۶	مؤمن و شطرنج ... !!!
۴۷	در معرض غضب خداوند ...
۴۸	آنجا که نور رحمت عامه الهی نمی تابد ...
۴۸	محروم از نظر لطف او
۴۸	دور از یاد خدا ...
۴۹	آنجا که او همه را می بخشد ...
۴۹	محروم از مهر سلام
۵۱	غیبتش روا
۵۱	گواهی اش ناروا
۵۲	سخن پایانی
۵۴	رساله سؤال و جواب
۵۴	حرام بودن ذات آلات قمار و شطرنج
۶۱	کتابنامه
۶۷	پی نوشت ها
۷۸	برخی از تألیفات فارسی حضرت آیت الله شیخ حیدر ترقی کربلائی مدظله
۸۱	درباره مرکز

## شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت

### مشخصات کتاب

سرشناسه: تربتی کربلایی، حیدر، 1338 -

عنوان و نام پدیدآور: شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت/حیدر تربتی کربلایی.

مشخصات نشر: قم: حیب، 1396.

مشخصات ظاهری: 67 ص.؛ 12×17 س.م.

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

موضوع: قرآن و عترت

رده بندی کنگره: 1381 85آ93/ش/BP74/5

رده بندی دیویی: 297/15107

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فاپا

شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت

حضرت آیه الله حیدر تربتی کربلایی

خیراندیش دیجیتال: مرکز خدمات حوزه علمیه اصفهان

ویراستار: محمد رضا دهقانزاد

ص: 1

اشاره

سرشناسه: شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت

نام پدیدآورنده: حضرت آیه الله حیدر تربتی کربلائی

تایپ و ویرایش: محدثه تربتی

طرح جلد: محدثه تربتی

رایانامه:

Zabihe.ale.mohammad@gmail.com

وبگاه:

Torbatikarbalaee.loxblog.com

شماره تماس: 0913700912

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر برای مؤلف محفوظ است

ص: 2



## فهرست مطالب

فهرست مطالب

مقدمات ... 5

آنان که امرهدایت گری بر عهده دارند ... 10

و هرگز نیاز ندارد به روز شود ... 11

در این واویلای گناه چه کنیم؟ ... 13

محبوب محبوب شویم ... 14

شطرنج از دیدگاه قرآن کریم ... 17

آیه یکم:

آیه دوم:

آیه سوم:

آیه چهارم: ... 23

آیه پنجم: ... 25

آیه ششم:

آیه هفتم: ... 27

شطرنج از دیدگاه اهل بیت اطهار علیهم السلام ... 29

نهی نبوی صلی الله علیه و آله

گناهی بس بزرگ ... 30

پرده های عصمت

ص: 3

حرام محض

نزدیکش مشو ... 31

در آتش شدن

شطرنج و نگاه ... 32

دستی آلوده

شطرنج در خانه؟ ... 33

کاری یزیدی و مجوسی گری

مؤمن و شطرنج...!!! ... 34

در معرض غضب خداوند ... 35

آن جا که نور رحمت عامه الهی نمی تابد ... 36

محروم از نظر لطف او

دور از یاد خدا ...

آن جا که او همه را می بخشد ... 37

محروم از مهر سلام

غیبتش روا ... 39

گواهی اش ناروا

از نشانه های آخرالزمان ... 40

سخن پایانی

رساله سؤال و جواب، حرام بودن ذات آلات قمار و شطرنج ... 42

کتاب نامه ... 49

پی نوشت ها ... 55



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وأفضل الصلوات والتحيات على محمد وآله الطيبين الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم وظالميههم، و غاصبي حقوقهم و مخالفيههم، و منكري فضائلهم و مناقبههم، و مدعي شئونهم و مراتبههم، و الراضين بذلك من الأولين و الآخرين.

الله تعالى می فرماید:

«قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى...» (1)

بگو (ای پیامبر!) همانا شما را به يك چیز پند می دهم، این که برای الله دوتا دوتا و تک تک بپاخیزید ...

الله تعالى انسان را خلق نمود و خود آگاه است که طبیعت واقعی انسان (2) به چه چیز گرایش دارد و پاسخ صحیح به این گرایش ها کدام است. و این از لطف او بود که پاسخ به این نیازها را در قالبی به نام دین نهاد تا بشر بداند، آنچه را باید بداند.

آنچه با نام ارزش های معنوی تلقی می شود، فقط یک گفتار نیست، سیره ای است که در کلام خلاصه شده و با جاری شدن آن در جامعه پرتوهای هدایت تابش می گیرند و راه را روشن می کنند. راهی که برای پیمودن آن آمده ایم. راهی که انتهای آن مردی است از تبار نور، مردی

ص: 5

---

1- سوره (34) سبأ آیه 46

2- سوره (30) الروم آیه 31: « فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا »

راست قامت و مهربان، که همه ما روزی باید پاسخگوی او باشیم.

روزی باید ببینیم چطور جواب محبت های او را داده و چه به درگاهش می بریم. (1)

دانستن این موضوع که نافرمانی از آنچه تحت عنوان وحی از آن یاد می شود، چه تبعات و آثاری را به دنبال دارد، بسیار مهم است. زیرا از این جاست که پی می بریم خداوند نیازی به من و ما ندارد و خود قادر مطلق است و اگر فرمان او را بر دیده نهیم، رستگار خواهیم بود و چنانچه نافرمانی او را سرلوحه رفتار کنیم، خود و خانواده و جامعه خود را درگیر آثار زینبار این نافرمانی کرده ایم.

آنچه امروزه شاهد آن هستیم، چیزی جز ندانستن، رسیدگی نکردن یا لجبازی بدون علم، نیست؛ لجاجتی که به دنبال ناآگاهی از سیمای واقعی وحی به وجود آمده. و این من و ما هستیم که باید به آنان که نمی دانند، بگوییم تا بدانند و به آنان که گوشزد نمی کنند، بگوییم تا آگاه باشند و به آنان که سیمای واقعی وحی را ندیده اند، نشان دهیم آنچه را که می توان دید و همه به هم کمک کنیم تا رنگ ها عوض شوند و سمت و سوها، یک جهت واحد بگیرند و به درستی که این جهت همان است که خداوند تعیین فرموده، همان که خداوند خود فرمود تبعیتش کنید تا رستگار شوید. (2)

راه مردی که گناهان من قلبش را به درد می آورد و اشک را از چشمانش جاری می سازد.

امام عزیزی که شاید هرگز او را ندیده باشیم ولی قلب هایمان را صاحب است.

امروز آنچه ما را از واقعیت دین دور می کند «توجیه گناه» و «تفسیر»هایی است که شیطان می پسندد، اما خدا آن را قصد ننموده، هوس های آلوده آن را زیبا می بینند، اما قلب امام عزیزمان را به درد می آورد.

شیطان هر زمان حربه ای جدید می سازد و هر روز به شکلی در می آید.

باید دانست که او از کار نمی نشیند و می خواهد آخرین تلاش خود را برای گمراه نمودن انسان، به کاربندد. دنیای او صحنه نمایشی است که امروزه با بیان لغات و بازی با الفاظ آن را اجرا می کند. و می بینیم در این زمان، که سخن از فکر روشن و روشنفکری است، از این راه به دل های پاک

ص: 6

1- سوره (19) التوبة آیه 105: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّكُمْ وَاسْتَمِعُوا لِكَلِمَةٍ رَسُوْلَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَارْتَبِعُوا صُرُطًا فَتَقْوُوا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

2- سوره (6) الأنعام آیه 154: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»

جوانان نفوذ کرده و آنان را غافل می نماید و گمراه می کند و سپس برای این که آنان را از سرزنش های نفس لَوّامه یا همان وجدان برهاند، گناهان را برایشان «توجیه» می کند... و این جا است که دیگر تصوّرش را هم نمی توان کرد که جامعه به چه شکلی در خواهد آمد؟

آیا دیگر حتّی می تواند لباس زیبای لفظ را که خود سرپوش گناهِش قرار داده، در آورد و زشتی گناه را ببیند و باور کند؟ دیگر حربه ای جدید به میدان آمده، که نام آن را «دلیل» می گذارد، در حالی که واقعیت آن را نمی بیند و نمی داند «دلیل» را جایگزین «توجیه» کرده و مصمم ادامه می دهد... تا ناکجا آباد...

روی سخن با همه ماست، همه ما، کسانی که خود را پیرو مکتب علوی می دانند، آنان که قرآن را در میان دست های خود می گیرند و تلاوت می کنند و می خواهند عمل کنند، اما... شاید راه را گم کرده اند.

اصل مسلم این است که خداوند متعال، آفریدگار مهربان جهان، آنچه را پاک است و سودمند، حلال و آنچه را ناپاک است و برای حیات مادی و معنوی بشر زیان بار، حرام نموده است. و این یکی از الطاف اوست. همچنان که در قرآن کریم فرموده است:

«وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ».

و خداوند برای ایشان آنچه را پاک باشد، حلال و آنچه را ناپاک باشد، حرام نمود. (1)

او پیامبران الهی و جانشینان آنان را برای بیان حلال و حرام فرستاد و به وسیله متابعت از فرمان ایشان، پاک را از ناپاک جدا می کند:

«لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ» (2)

و خدا با لطفی که در حق ما روا داشته، راه را به وسیله ایشان نمایان می سازد. قرآن را می فرستد تا هدایت باشد و اهل بیت اطهار علیهم السلام را می فرستد تا معنای این هدایت را بیان کنند.

و ابلاغ را به پیامبر صلی الله علیه و آله امر می فرماید تا کسی نگوید نمی دانستم یا نفهمیدم. (3)

ص: 7

1- سوره (7) الأعراف آیه 158

2- سوره (8) الأنفال آیه 38

3- سوره (4) النساء آیه 14: «... وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». سوره (4) النساء آیه 60: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا». سوره (4) النساء آیه 70: «وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا». سوره (4) النساء آیه 81: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيطًا». سوره (24) التور آیه 53: «وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشِ اللَّهَ وَ يَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ». سوره (33) الأحزاب آیه 72: «... وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا». سوره (48) الفتح آیه 81: «... وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَنْ يَتَوَلَّ يَعْذِبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا»

او برای دانستن و فهمیدن تک تک ما، راهی گذاشته است، و آن را به لطف خود با چهارده خورشید و ماه و ستاره آذین بسته تا همه راه را ببینند و بخواهند تا هدایت شوند ...

## (1)

فضای نفس کشیدن ما باید پاک باشد تا بتوانیم نفس بکشیم، غذایی که می خوریم باید پاکیزه باشد تا با خوردن آن بیمار نشویم، برای استراحت و رفع خستگی نیاز به محیطی آرام برای تسکین روح داریم، براستی! چرا راهی را نپیماییم که همانا همه خوردن و خوابیدن ها و نفس کشیدن ها را برای پیمودن آن خلق کرده اند؟!

## ما آمده ایم تا بمانیم

### (2) ما آمده ایم تا بمانیم.

از این روست آن جا که می بینیم گناهی رخ می دهد، گویا نفس کشیدن - که مایه و لازمه تداوم حیات ماست - برایمان عذاب آور است، و گویا احساسمان می گوید: سینه ام برای تحمل این عذاب تنگ می آید ... و می خواهیم هر طور شده خود را خلاص کنیم.

پس بیایید همه با هم تلاش کنیم تا خود، خانواده و اجتماعمان را پاک نگه داریم، بیایید به هم کمک کنیم تا بتوانیم فضای کشور اهل بیت اطهار علیهم السلام، ایران عزیز را از آلودگی های اخلاقی پاک کنیم و همان شویم که او می خواهد ... (3)

گناهیانی چون بی حجابی، ربا، شطرنج و موسیقی از جمله گناهیانی هستند که بستر انجام بسیاری از گناهان دیگر را فراهم می آورند و این از مکر شیطان است که زشتی را زیبا جلوه دهد تا آن که ربا می خورد، از ربا خوردن لذت ببرد و هوس آلوده آن که تربیت شده مکتب وحی نیست از نگاه حرام، لذت ببرد و آن که پا در عرصه شطرنج یا موسیقی می نهد، احساس کند لذت می برد، حال آن که شیطان زشتی را زیبا جلوه می دهد (4) و آن گاه که دست انسان از همه جاقطع شد، خود را به کناری کشیده، سخن از اختیار به میان می آورد. (5)

و انسان را از یاد خدا - که همانا تمام زیبایی است - غافل می سازد، تا آن جا که می تواند گناه کند و از خدا دور شود، تا به حدی برسد که دیگر نیاز به تلاش او نباشد، تا آن قدر نفس او را بر وی مسلط سازد که بتواند رود روی امام خویش بایستد ...

ص: 8

1- سوره (76) الدّهر (الإنسان) آیه 4: «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»

2- بحار الأنوار: ج 6 ص 249 ب 8 و ج 58، ص 78: النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَا خُلِقْتُمْ لِلْفَنَاءِ بَلْ خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ وَإِنَّمَا تَتَّقُونَ مِنْ دَارِ إِلَى دَارٍ». پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند: شما برای نابود شدن آفریده نشده اید، بلکه آفریده شده اید تا بمانید و جاودانی شوید و همانا از خانه ای (دنیا) به خانه دیگر (آخرت) منتقل می شوید. و غرر الحکم: ص 133 ح 2291: «إِنَّمَا خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ وَإِنَّكُمْ فِي دَارِ بُلُغَةٍ وَ مَنَزِلٍ قُلْعَةٍ».

3- «أَنْتَ كَمَا أَحْبَبْتُ فَأَجْعَلَنِي كَمَا تُحِبُّ». امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: پروردگارا! تو همانطوری که من دوست دارم، مرا هم همانگونه کن که خود دوست می داری. الخصال: ج 2 ص 420، روضة الواعظین: ج 1 ص 109، بحار الأنوار: ج 74 ص 402 ب 15 و ج 91 ص 92 ب 32.

4- سورة (6) الأنعام آية 44: «فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَ لَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».

5- سورة (14) ابراهيم عليه السلام آية 23: «... وَ مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تُلُومُونِي وَ لُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ»



آنچه در این کتاب آمده است در واقع سخن خدا و پیامبر و اولیاء اوست، کلام پروردگار متعال پیرامون موضوع حرمت شطرنج. و در ذیل آیات، گزیده ای از احادیث پیرامون موضوع شطرنج ذکر شده که محققین محترم می توانند جهت اطلاع بیشتر به مصادری که مختص به آن ها است، مراجعه نمایند. احادیث از معتبرترین کتاب های حدیثی و فقهی آورده شده است و برای ترجمه نمودن متن احادیث، اقدامی دقیق به انجام رسانده ایم.

برای آنان که کلام اهل بیت اطهار علیهم السلام قلبشان را صیقل داده و نورانی می کند، پیش از آغاز متن کتاب، سه قسمت آورده شده: تا بدانیم خداوند، قرآن را نازل کرد و عترت را خلق نمود تا ما، راز سعادت ابدی را از آنان جويا شویم ...، همانان که امر هدایتگری را به عهده دارند.

و بدانیم آنچه را برای ایمان برای پیمودن این مسیر توشه نهادند، تا ابد کفاف سعادتمان را می دهد و هرگز نیاز ندارد به روز شود، و یا اگر به روز نبود نتواند پاسخگو باشد، و هرگز نسخه ای از قرآن با ویرایش و اضافات، چاپ نخواهد شد و همان قرآنی که بر قلب پیامبرمان نازل گشت برای خوشبخت شدن، خوشبخت باقی ماندن، و عاقبت به خیر شدن همه ما کفایت می کند. هیچ نیازی بی پاسخ باقی نمانده که ما بخواهیم برای پاسخ گویی به آن دست به دامن بیگانه شویم و یا خود را اسیر هوس های آلوده دیگران کنیم یا به شیطان پناه ببریم، بلکه خداوند به ما می آموزد تا از شیطان به او پناه ببریم.

و بدانیم که در این اوایل گناه چه کنیم تا نگاه آن مرد پاک از آن سلاله پاک را برای خود بخریم و چه کنیم تا پاک به درگاهش زانورده، دست او را ببوسیم و از حمایتگران او باشیم. تا آن روز که آمد، اگر بودیم، از ما روی نگرداند و مبادا ما از او روی بگردانیم ... چرا که تنها غصه چنین کابوسی برای مردن تک تک ما کافیت.

و این تنها تذکری است برای آنان که ایمان آورده اند:

«وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (1)

ص: 9

یادآور شو، بدرستی که تذکر مؤمنان را سود می بخشد.

و در پایان همه ما را بس است که تحفه ای به عنایت او به درگاهش ببریم و او لطف کند و یک شاخه گل لبخند را از روی لب هایش به ما هدیه دهد ... به خدا سوگند که دنیا و آخرت همه ما را کفایت می کند.

اللَّهُمَّ... وَ أَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَ الْاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَ الْاجْتِنَابِ عَنِ مَعْصِيَتِهِ، وَ ائْتِنَّا بِرِضَاهِ، وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَ رَحْمَتَهُ، وَ دُعَاءَهُ، وَ خَيْرَهُ، مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ فَوْزاً عِنْدَكَ، ... (1)

لازم به ذکر است که صبیحه فاضله ام در تنظیم و تایپ و ویرایش و بازنویسی کتاب یاری ام نموده اند و امیدوارم این عمل صالح وی مورد قبول ولی الله الأعظم صلوات الله علیه قرار گیرد.

### آنان که امر هدایت گری بر عهده دارند

در بسیاری از کتب حدیث و تفسیر و تاریخ شیعیان اهل بیت علیهم السلام، لام و پیروان خلفاء با سندهای بسیار و از حدّ تواتر گذشته و صحیح، به روایت اهل بیت علیهم السلام و دوستان ایشان و حتی دشمنان آنان، حدیث گرانقدر ثقلین آمده است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حداقل در پنج موقعیت و همچنین در آخرین لحظات زندگی خویش، در بستر بیماری، از آن سخن به میان آورده اند، و این جا به ذکر یک حدیث از آنها بسنده می کنیم.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ، لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا، كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ قَدْ عَاهَدَ إِلَيَّ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ كَهَاتَيْنِ - وَ جَمَعَ بَيْنَ مَسِّ بَحْتِيهِ - وَ لَا أَقُولُ كَهَاتَيْنِ وَ جَمَعَ بَيْنَ الْمَسِّ بِحَاةٍ وَ الْوَسْطَى - فَتَسْبِقُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى، فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا، لَا تَزَلُّوا، وَ لَا تَضِلُّوا، وَ لَا تَقْدَمُوهُمَ فَتَضِلُّوا، ...» (2)

ص: 10

1- فرازی از دعای شریف ندبه که از امام جعفر صادق و حضرت صاحب الأمر علیهما السلام نقل شده است

2- الکافی: ج 2 ص 414 باب أدنی ما یكون به العبد مؤمناً... ح 1

بدرستی که دو چیز را برای شما به یادگار می گذارم، تا آن هنگام که به آن دوروی آورید (از ایشان پیروی نمایید)، هرگز گمراه نخواهید شد، کتاب خداوند و عترتم، اهل بیت من، زیرا خداوند مهربان و آگاه با من عهد نموده است آن دو زمانی که در کنار حوض کوثر بر من همچون این دو انگشتم و پیامبر آن گاه میان دو انگشت کنار شست جمع فرمود) وارد شوند و نه همچون این دو انگشت (و میان انگشت اشاره و وسط جمع نمود) و هیچکدام از آن دو بر دیگری پیشی نخواهد گرفت. پس به آن دو چنگ زنید (آنچه امر می فرمایند،

پیروی نمایید) و دور و گمراه نشوید و بر آنان پیشی نگیرید که گمراه خواهید شد.

نتیجه: خداوند برای ما اهل بیتی را در کنار قرآن قرار داده که آنچه می گویند، و آنچه عمل می کنند و آنچه را تایید می نمایند، همان است که خداوند فرموده است. کلام مولایمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بسیار ظریف است: «دور و گمراه نشوید، و بر آنان پیشی نگیرید که گمراه خواهید شد»، ...

### و هرگز نیاز ندارد به روز شود ...

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: جدم رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ! حَلَالِي حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ حَرَامِي حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، أَلَا وَقَدْ بَيَّنَّهَمَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْكِتَابِ، وَ بَيَّنَّهَمَا لَكُمْ فِي سُنَّتِي وَ سِيرَتِي، وَ بَيَّنَّهَمَا شُبُهَاتٍ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَ بَدَعٌ بَعْدِي، مَنْ تَرَكَهَا صَلَحَ لَهُ أَمْرُ دِينِهِ، وَ صَلَحَتْ لَهُ مَرْوَتُهُ، وَ عَرَضُهُ، وَ مَنْ تَلَبَّسَ بِهَا وَ وَقَعَ فِيهَا وَ اتَّبَعَهَا، كَانَ كَمَنْ رَعَى غَنَمَهُ قُرْبَ الْحِمَى، وَ مَنْ رَعَى مَاشِيَتَهُ قُرْبَ الْحِمَى، نَازَعَتْهُ نَفْسُهُ إِلَى أَنْ يَرْعَاهَا فِي الْحِمَى، أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمَى، أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَحَارِمُهُ، فَتَوَقَّوْا حِمَى اللَّهِ وَ مَحَارِمَهُ»(1)

ای مردم! حلال من (آنچه را به امر خداوند حلال نموده ام) تا روز قیامت حلال است، و

ص: 11

---

1- کنزالفوائد: ج 1 ص 352، وسائل الشیعة: ج 27 ص 169 ب 12 ح 33515، بحار الأنوار: ج 2 ص 260 ب 31 ح 17 و ج 71 ص 28 ب 18 ح 7، مستدرک الوسائل: ج 12 ص 217 ب 14 ح 2

حرام من (آنچه را به امر خداوند حرام نموده ام) تا روز قیامت حرام است، آگاه باشید که خداوند آن ها را در قرآن بیان نموده، و من در سن، ت و سیره ام آن ها را بیان نموده ام. در میان آن ها شبهه هایی از شیطان، و بدعت هایی پس از من است، هر کس این شبهه ها و بدعت ها را ترک نماید، امر دین، مروّت و آبروی خود را نیکو قرارداد است، و هر کس خود را به آن آلوده کند، و در پی بدعت ها برود، مانند کسی است که گوسفندانش را نزدیک مرز (حصار) چراگاه می چراند، نفس او وسوسه اش می کند که آنها را در چراگاه پس مرز نیز بچراند. آگاه باشید سرزمین هر پادشاهی مرزی دارد، و مرز خداوند محرمات (ممنوعیت های) اوست، پس مراقب مرزهای فرمان ها و محرمات او باشید.

و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«حَالَلٌ مُحَمَّدٍ حَالَلٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، لَا يَكُونُ غَيْرُهُ، وَلَا يَحِيءُ غَيْرُهُ. قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَحَدٌ ابْتَدَعَ بَدْعَةً إِلَّا تَرَكَ بِهَا سُنَّةً» (1).

آنچه حلال محمد است برای همیشه تا روز قیامت حلال است، و آنچه حرام محمد است برای همیشه تا روز قیامت حرام است، جز این نمی شود، و نباید بشود. و حضرت علی علیه السلام فرمودند: کسی نیست که بدعتی را بنیان نهد مگر این که سنتی را ترک کرده باشد.

و فرمود:

«مَا خَلَقَ اللَّهُ حَالَلًا وَلَا حَرَامًا إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ كَحَدِّ الدُّورِ، وَإِنَّ حَالَلٌ مُحَمَّدٍ حَالَلٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ...» (2).

خداوند متعال حلال و حرامی را نیافریده است مگر این که برای آن حدّ و مرزی مانند خانه ها قرار داده است، و به درستی که حلال محمد حلال است تا روز قیامت، و حرام محمد نیز حرام است تا روز قیامت، ...

ص: 12

1- الكافي: ج 1 ص 58 باب البدع والرأي والمقاييس ... ح 19

2- بصائر الدرجات: ص 148 ب 13 ح 7

نتیجه: احکام شرعی بخش عظیمی از دین کامل اسلام هستند که سعادت همیشگی انسان را تضمین نموده، و دستورات خداوند است که از نیازهای مادی و معنوی بشر آگاهی کامل دارد و او را سعادت‌مند می‌خواهد.

احکام مطهر اسلام از استاندارد الهی برخوردار هستند و هیچ خطا و اشتباهی در آنها نیست. زمان و دگرگونی‌های آن نباید هیچگونه تغییری در آنها ایجاد کند، و نباید تابع زمان و مقتضیات آن باشند، تا بتواند سعادت ابدی را برای بشر به ارمغان آورد، در هر زمان و هر مکان.

### در این وایلی گناه چه کنیم؟

حضرت خاتم‌الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» (1).

آن زمان که بدعت‌ها در میان امت‌ها آشکار گردند، بر عالم واجب است علم خود را آشکار کند، هرکس به این وظیفه خود عمل ننماید؛ لعنت خداوند بر او باد.

و فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي، فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، وَإِلَّا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (2).

آن زمان که بدعت‌ها در میان امت‌ها آشکار شود، بر عالم واجب است علم خود را آشکار سازد (بیان حقائق شرعی کند)، وگر نکند لعنت خداوند و فرشتگان و همه مردم بر او باد.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا ظَهَرَ فِيكُمْ الْبِدْعُ، حَتَّى يَرُبُّ فِيهَا الصَّغِيرُ، وَيَهْرَمَ الْكَبِيرُ، وَيُسَلِّمَ عَلَيْهَا الْأَعَاجِمُ، وَإِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ قِيلَ سُنَّةٌ، وَإِذَا عَمِلَ بِالسُّنَّةِ قِيلَ بَدْعَةٌ؟» (3).

حال شما چگونه است هنگامی که بدعت‌ها در میان شما آشکار گردد، تا آن که کودکان با آن بزرگ می‌شوند، و بزرگان با آن پیر می‌گردند، و بیگانگان بر آن (دین آلوده به

ص: 13

1- الکافی: ج 1 ص 54 باب البدع و... ح 2، عوالی اللالی: ج 4 ص 70 جمله 2 ح 39، نهج الحق: ص 37، منیة المرید: ص 186، وسائل

الشیعة: ج 16 ص 269 ب 40 ح 21538، بحار الأنوار: ج 105 ص 15 اجازة 28

2- بحار الأنوار: ج 54 ص 234

3- إرشاد القلوب: ج 1 ص 69 ب 17

بدعتها) اسلام می آورند، و وقتی بدعت ها آشکار شدند، به آن ها سنت گفته شود، و هنگامی که به سنت عمل شود، (به آن) بدعت گفته شود.

از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام روایت شده که فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُظْهِرَ عِلْمَهُ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سَلِبَ نُورَ الْإِيمَانِ» (1).

آن زمان که بدعت ها آشکار شوند، بر عالم واجب است علم خود را آشکار کند، اگر (با بدعت ها مبارزه نکند نور ایمان از او گرفته خواهد شد.

پذیرفتن این که خدایی یکتا وجود دارد و او تنها وجود لایق پرستش است، کار سختی نیست. مشکل کنار گذاشتن غیر اوست، اگر غیر او را، غیر او ببینیم و بدانیم. وقتی کسی کار زشتی را مرتکب می شود، اگر آن اشتباه را زشت نپندارد، اصلاً اشتباهی نمی بیند، که بخواهد رهاش کند، و امروز ما به این بلای عظیم گرفتار آمده ایم. گناهان و جبهه شرعی پیدا کرده اند و دیگر نمی آیم بگوییم فلان کار حرام است، فقط باید بگوییم: حلال نیست، تا بلکه شکل حلال بودن به خود نگیرد.

### محبوب محبوب شویم

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (2).

بگو (ای پیغمبر): اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد، و گناهان شما را ببامرزد، همانا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

همه خوب می دانند، کمتر کسی از حضور و ظهور یگانه منجی عالم بشریت بی اطلاع است. او روزی خواهد آمد و عدل را به پهنه زمین خواهد گستراند، این را همه می دانند و بسیاری چشم های به راه مانده برای دیدن آن طلعت دلربا ... اما کیست که بداند امید همه چشم های

ص: 14

---

1- رجال الکشی: ص 493 ح 946، علل الشرائع: ج 1 ص 235 ب 171 ح 1، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج 1 ص 112 ب 10 ح 2، الغیبة، الشیخ الطوسی: ص 63، وسائل الشیعة: ج 16 ص 271 ب 40 ح 21546، بحار الأنوار: ج 48 ص 252 ب 10  
2- سوره (3) آل عمران (آل محمد صلی الله علیهم) آیه 32

به راه مانده، رو به سوی که می آورد و به دیدن که می رود؟ همه مشتاق دیدار او هستند، او مشتاق دیدار کیست؟ کیست که دیدنش او را به وجد می آورد؟ در آغوش نورانی او چه کسی جای دارد؟ و نگاه لطف او به سوی چه کسی جاری است؟ ...

دیگر خدا نیست که می گوید چه کاری خوب است و چه کاری بد. اگر چنین بود کارمان به این جا نمی کشید. ما بیشتر آن هستیم که خودمان می پسندیم، بیشتر طوری رفتار می کنیم که دیگران می خواهند، طرز لباس پوشیدن و رفتار و گفتارمان، بستگی به ذائقه دیگران دارد، قریحه دیگران است که حتی دوست داشتن هایمان به علاقه و تنفر آن شکل می گیرد، دوست داشتن هایی که دین ما را می سازد و جهت گیری آنها مسیر زندگیمان را تعیین می کند.

مگر ما برای دیگران زندگی می کنیم؟ پس آن استقلالی که می گویند و می گوئیم وجود دارد، کجاست؟ آنچه می بینیم آیا جز تقلیدی کورکورانه است؟ ...

و ای کاش کسی هم به این بیاندیشد: مرا باید خدا تربیت کند و سایرین همان طور که خدا مرا می پسندد، بپذیرند.

افسوس و آه کاری برای ما از پیش نمی برد. همه از تکرار خسته ایم، از این که به جای عمل، فقط افسوس را می بینیم. ادعا و مدعی بسیار است ولی کمتر کسی به فکر آینده است، آینده ای که آمدنش چندان دور نیست، آن که همه پیامبران به آمدنش بشارت داده اند، آینده ای که به فرارسیدنش محتاجیم.

کیست راه را نشان دهد؟ رهگذران! آیا یاریگری هست که مرا راهنمایی کند؟ کسی هست کمکم کند؟

صدایش را می شنویم، اگر بخواهیم: خدا به همه آنچه تو بدان نیازمندی، پاسخ گفته. راه از این طرف است، دنبال من بیا. مراقب باش، بیراهه بسیار است و پرتگاه ها عمیق، ناامید نباش که در این راه خدا یار و همراه و رهنماست.

بیا به درگاهش نیاز شویم و برویم تا بلکه ما را قابل نماید و محرم راز خویش کند. بیا آنچه ما را

از او دور می‌کند، رها کنیم و با او بیوندیم تا جاودانه شویم. تمام تلاش ما باید این باشد که انتخابش کنیم، برای امروز و فردایمان، برای خود و خانواده‌مان، برای دنیا و آخرت‌مان... و یک گام به سویش برداشته و ادامه دهیم و تا آخر با او برویم، تا آستان بوس درگاهش شویم. و به دیگران بگوییم تا جلوتر بیایند تا آن جا که در نور وجودش قرار گیرند و در آغوشش آرام شوند و این همان آرامشی است که به دنبال آن هستیم.

ص: 16



### آیه یکم:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا...» (1).

(ای پیامبر!) از تو درباره شراب و میسر (قمار) سؤال می کنند (به آن ها) بگو: در آن دو گناه بزرگی است، و منافی برای مردم دارند، ولی گناهشان از نفعشان بزرگتر است ...

### آیه دوم:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (2).

ای کسانی که ایمان آورده اید! بدانید که شراب و میسر (قمار) و بت ها و ازلام (نوعی بخت آزمایی) پلید و از عمل شیطانند، از آن دوری و اجتناب کنید، امید است رستگار شوید.

### آیه سوم:

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» (3).

همانا شیطان می خواهد در میان شما به وسیله شراب و میسر (قمار)، دشمنی ایجاد کند و

ص: 17

#### 1- سوره (2) آیه 220

2- در کتاب راز شطرنج نوشته: سعید رمزی صفحه 105 و 106 آمده است: آیا شطرنج تقویت کننده نیروی فکر است؟ در جواب این سؤال می توان اثرات بازی شطرنج و پیامدهای آن را در بعد فکری و عقلی از دیدگاه روانشناسان، کارشناسان و قهرمانان شطرنج جهان چنین توصیف کرد: بسیار خسته کننده، خطرناک، نابود کننده سایر منابع و فعالیت های ذهنی، موجب اختلال حواس، منشأ ایجاد انگیزه زشت اسارت و پدرکشی، موجب بروز عواطف نامطلوب، منشأ ایجاد تنفر از حریف، اعتیاد آور، مانع خوشبختی و موجب تزلزل بنیان خانواده ... بنا به نظر کارشناسان حتی افراد کودن و کم هوش نیز به خوبی می توانند شطرنج بازی کنند، به طوری که دیوانگان بر دانشجویان پیروز می شوند. واقعاً این بازی چه زیبا فکر را تقویت می کند. و چه زیبا فکر یک شطرنج باز تقویت می گردد آن جا که حاضر است اعضای خود را و بالاتر از آن، همسر خود را در معرض برد و باخت قرار دهد، و یا پس از باخت از فرط خشم و غضب لوازم اطراف خود را بشکند، و یا خود را برای مدتی زندانی کند، و حتی حریف خود را از طبقه دوم به بیرون پرتاب نماید، و در نهایت مبتلا به بیماری های روانی، عصبی و حملات قلبی و مرگ نابهنگام گردد؟ یک ضرب المثل فرانسوی می گوید: اگر قلب مهربانی داشته باشی نمی توانی شطرنج بازی کنی. بازی شطرنج بفرض که یک نوع تقویت فکر باشد، تقویت فکر جنگجویی و ستیز است، و تقویت هر فکری پسندیده نیست. باید فکر انسانیت، دوستی و صمیمیت، صلح و صفا را تقویت کرد، و هیچ کدام از این ها از یک بازی جنگی بدست نمی آید. شاید یکی از فلسفه های ممنوعیت شطرنج همین جنگ فکری آن باشد.



شما را از یاد خدا و نماز بازدارد، آیا از انجام این امور دست برمی دارید؟

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«الشُّطْرُنْجُ وَ التَّرْدُ هُمَا الْمَيْسِرُ» (1).

شطرنج و نرد (طاولی) هر دو میسر هستند.

امام محمدباقر علیه السلام فرمودند:

«وَأَمَّا الْمَيْسِرُ فَالتَّرْدُ وَ الشُّطْرُنْجُ وَ كُلُّ قِمَارٍ مَيْسِرٌ... كُلُّ هَذَا بَيْعُهُ وَ شِرَاؤُهُ وَ الْإِنْتِفَاعُ بِشَيْءٍ مِنْ هَذَا حَرَامٌ مِنَ اللَّهِ مُحَرَّمٌ وَ هُوَ رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ وَ قَرْنَ اللَّهُ الْحَمْرَ وَ الْمَيْسِرَ مَعَ الْأَوْثَانِ» (2).

اما معنای میسر، نرد و شطرنج و هر قاری میسر است ... و تمام این موارد خرید و فروش و هر گونه بهره برداری از این ها حرام است؛ از جانب خدا حرام شده و پلید و از کار شیطان است، و خداوند شراب و قمار را قرین بت ها قرار داده است.

توضیح: گناه می گساری و قماربازی با بت پرستی و کفر ورزیدن به خدا قرین است.

امام محمدباقر علیه السلام فرمودند:

«الشُّطْرُنْجُ وَ التَّرْدُ مَيْسِرٌ» (3).

شطرنج و نرد، میسر هستند.

امام محمدباقر علیه السلام می فرماید:

«يَدْخُلُ فِي الْمَيْسِرِ اللَّعِبُ بِالشُّطْرُنْجِ وَ التَّرْدِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنْ أَنْوَاعِ الْقِمَارِ حَتَّى أَنْ لَعِبَ الصَّبِيَانِ بِالْجَوْزِ مِنَ الْقِمَارِ» (4).

بازی با شطرنج و نرد و غیر این دو از انواع قمار، همه داخل در میسر است، حتی گردوبازی بچه ها هم قمار (واز مصادیق میسر است) همان حکم را دارد).

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

ص: 18

1- الکافی: ج 6 ص 435 باب الترد و الشطرنج... ح 3، وسائل الشیعة: ج 17 ص 324 ب 104 ح 22666 و در آن چنین آمده: الشطرنج و الترد هما المیسر

2- تفسیر القمی: ج 1 ص 180، تفسیر العیاشی: ج 1 ص 339، وسائل الشیعة: ج 17 ص 324 ب 104 ح 22657، تفسیر البرهان: ج 1 ص 497، تفسیر نور الثقلین: ج 1 ص 669، بحار الأنوار: ج 76 ص 228 ب 98 ح 1

- 3- تفسير العياشي: ج 1 ص 341 ح 186، وسائل الشيعة: ج 17 ص 322 ب 102 ح 22660، بحار الأنوار: ج 76 ص 235 ب 98 ح 18
- 4- مجمع البيان: ج 3 ص 370، تفسير نور الثقلين: ج 1 ص 699 ح 345

«النَّزْدُ وَ الشُّطْرُنْجُ مِنَ الْمَيْسِرِ». (1)

نرد و شطرنج قمار و از (مصادیق) میسر هستند.

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«الشُّطْرُنْجُ مَيْسِرٌ وَ النَّزْدُ مَيْسِرٌ». (2)

شطرنج میسر است و نرد نیز میسر است.

عبدالملک قمی می گوید: من با برادرم ادریس نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودیم که برادرم ادریس گفت: خدا ما را فدایت گرداند؛ میسر یعنی چه؟ حضرت فرمود:

«هِيَ الشُّطْرُنْجُ».

میسر یعنی شطرنج.

عرض کردم: ایشان (عامه) می گویند که مقصود نرد است؟! فرمود:

«وَ النَّزْدُ أَيْضاً». (3)

بلی، نرد هم میسر است.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِنَّمَا الْحَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْمَيْسِرُ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: كُلُّ مَا تُقَوِّمَرُ بِهِ حَتَّى الْكِعَابُ وَ الْجَوْزُ...». (4)

هنگامی که آیه «إِنَّمَا الْحَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ...» بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل گردید از آن حضرت پرسیده شد: میسر چیست؟ فرمود: هر چیزی که با آن قمار بازی (برد و باخت) شود، حتی طاس و گردوبازی.

از امام جعفر صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه «فَاجْتَنِبُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا

ص: 19

1- وسائل الشیعة: ج 17 ص 326 ب 104 ح 22676

2- الکافی: ج 6 ص 437 باب النرد و الشطرنج... ح 11، تفسیر العیاشی: ج 1 ص 261 ح 185، وسائل الشیعة: ج 17 ص 321 ب 102 ح 22659 و ص 324 ب 104 ح 22668 و ص 325 ح 22672، بحار الأنوار: ج 76 ص 235 ب 98 ح 17

3- الکافی: ج 1 ص 436 باب النرد و الشطرنج... ح 8، وسائل الشیعة: ج 17 ص 324 ب 104 ح 22669

4- الكافي: ج 5 ص 122 باب القمار... ح 2، من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 190 ح 3087، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 371 ب 93 ح 196،  
وسائل الشريعة: ج 17 ص 165 ح 22257

قَوْلُ الزُّورِ» پرسیده شد آن حضرت فرمود:

«الرَّجَسَ مِنَ الْأَوْثَانِ» الشُّطْرُنَجُ، وَ «قَوْلُ الزُّورِ» الْغِنَاءُ، وَ التَّرْدُ أَشَدُّ مِنَ الشُّطْرُنَجِ، فَأَمَّا الشُّطْرُنَجُ فَإِنَّ اتِّخَاذَهُ كُفْرٌ، وَ اللَّعِبُ بِهَا شِرْكٌ، وَ تَعْلِيمُهَا كَبِيرَةٌ مُؤَبَّقَةٌ، وَ السَّلَامُ عَلَى اللَّهِ بِهَا مَعْصِيَةٌ، وَ مُقَلَّبَةٌ كَمُقَلَّبِ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ، وَ النَّاطِرُ إِلَيْهَا كَالنَّاطِرِ إِلَى فَرْجِ أُمِّهِ، وَ اللَّاعِبُ بِالتَّرْدِ قِمَارًا مِثْلُهُ مِثْلُ مَنْ يَأْكُلُ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ، وَ مِثْلَ الَّذِي يَلْعَبُ بِهَا مِنْغِيرِ قِمَارٍ مِثْلُ مَنْ يَصْعُقُ يَدَهُ فِي لَحْمِ الْخِنْزِيرِ أَوْ فِي دَمِهِ، وَ لَا يَجُوزُ اللَّعِبُ بِالْخَوَاتِيمِ، وَ الْأَرْبَعَةَ عَشَرَ، وَ كُلَّ ذَلِكَ وَ أَشَدُّ بَاهُهُ قِمَارٌ، حَتَّى لَعِبُ الصَّبِيَانِ بِالْجَوْزِ هُوَ الْقِمَارُ، وَ إِيَّاكَ وَ الضَّرْبُ بِالصَّوَانِجِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَرْكُضُ مَعَكَ، وَ الْمَلَائِكَةُ تَنْفُرُ عَنْكَ، وَ مَنْ بَقِيَ فِي بَيْتِهِ طُنْبُورٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ». (1)

الرَّجَسَ مِنَ الْأَوْثَانِ - بت های پلید شطرنج است و قَوْلُ الزُّورِ - سخن ناروا و غنا می باشد و نرد (گناه و کيفرش) شدیدتر از شطرنج است، و اما شطرنج: همانا گرفتن آن، کفر ورزیدن به خداوند و بازی کردن با آن، شرک ورزیدن به خداست، یادگرفتن آن، گناهی نابودگر است و سلام کردن به سرگرم شونده با آن، معصیت (و سرکشی از فرمان خدا) است و زیر و رو کننده آن، مانند کسی است که گوشت خوک را زیر و رو کند و بیننده آن، مانند کسی است که شرمگاه مادر خود را ببیند و کسی که با نرد قمار بازی کند مانند کسی است که گوشت خوک بخورد و مثل کسی که بدون قمار (برد و باخت) با آن بازی کند، مانند کسی است که دست خود را به گوشت خوک و یا خون آن آلوده گرداند و جایز نیست بازی کردن با خواتیم و اربعة عشر (2) و مبادا چوگان بازی کنی زیرا همراه با تو شیطان می دود و فرشته ها از تو بیزار می شوند ...

در کتاب فقه منسوب رضوی علیه السلام چنین آمده است:

ص: 20

- 
- 1- فقه الرضا عليه السلام: ص 284 ح 4، من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 58 باب حدّ شرب الخمر... ح 5093، بحار الأنوار: ج 76 ص 233  
ب 98 ح 9، مستدرک الوسائل: ج 13 ص 224 ب 83 ح 15196 - 2
- 2- نوعی بازی بچه ها است که روی زمین خطوط جدول مانند کشیده و روی خطوط سنگ هایی را گذاشته و بازی می کنند

«إِعْلَمَ يَرْحَمَكَ اللَّهُ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ نَهَى عَنْ جَمِيعِ الْقِمَارِ، وَ أَمَرَ الْعِبَادَ بِالْاجْتِنَابِ مِنْهَا، وَ سَمَّاهَا رِجْسًا، فَقَالَ: رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ، مِثْلُ اللَّعِبِ بِالشُّطْرُنْجِ وَ النَّزْدِ وَ غَيْرِهِمَا مِنَ الْقِمَارِ، وَ النَّزْدُ أَسْرٌ مِنَ الشُّطْرُنْجِ، فَأَمَّا الشُّطْرُنْجُ فَإِنَّ اتِّخَاذَهَا كُفْرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، وَ اللَّعِبُ بِهَا شِرْكٌ وَ تَقْلَابُهَا كَبِيرَةٌ مُؤَبَّقَةٌ، وَ السَّلَامُ عَلَى اللَّاهِي بِهَا كُفْرٌ، وَ مُقْلَبُهَا كَالنَّاطِرِ إِلَى فَرْجِ أُمِّهِ، وَ اللَّاعِبُ بِالنَّزْدِ كَمِثْلِ الَّذِي يَأْكُلُ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ، وَ مِثْلُ الَّذِي يَلْعَبُ بِهَا مِنْ غَيْرِ قِمَارٍ مِثْلُ الَّذِي يَصْبِغُ [يَضَعُ] يَدَهُ فِي الدَّمِ وَ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ، وَ مِثْلُ الَّذِي يَلْعَبُ فِي شَيْءٍ مِنْ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ كَمِثْلِ الَّذِي مُصِرٌّ عَلَى الْفَرْجِ الْحَرَامِ، وَ اتَّقِ اللَّعِبَ بِالْخَوَاتِيمِ، وَ الْأُزْبَعَةَ عَشْرًا، وَ كُلَّ قِمَارٍ، حَتَّى لَعِبِ الصَّيْبَانِ بِالْجَوْزِ وَ اللَّوْزِ وَ الْكِعَابِ، وَ إِيَّاكَ وَ الصَّرْبَةَ بِالصُّوْلَجَانِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَرْكُضُ مَعَكَ، وَ الْمَلَائِكَةُ تَنْفِرُ عَنْكَ، وَ مَنْ عَثَرَ دَابَّتَهُ فَمَاتَ دَخَلَ النَّارَ» (1).

بدان! خدا تو را رحمت کند که خداوند تبارک و تعالی از جمیع اقسام قمار نهی فرموده، و بندگان خود را امر فرمود تا از آن ها اجتناب نمایند، و آن ها را «پلیدی» نامید و فرمود: رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ - این ها پلیدی و از عمل شیطان است، از آن اجتناب کنید مانند بازی با شطرنج و نرد و غیر این دو از اقسام قمار، و نرد بدتر از شطرنج است، و اما شطرنج: همانا گرفتن آن کفر ورزیدن به خداوند بزرگ، و بازی کردن با آن شرک ورزیدن به خدا، و زیر و رو کردن آن گناهی بزرگ، و سلام کردن به سرگرم شونده با شطرنج کفر است، و کسی که مهره شطرنج را به دست می گیرد مانند کسی است که شرمگاه مادرش را ببیند، و بازی کننده با نرد مانند کسی است که گوشت خوک می خورد، و کسی که با آن به غیر از قمار کردن بازی کند (بدون برد و باخت) مانند

ص: 21

1- فقه الرضا عليه السلام: ص 284 ب 46، بحار الأنوار: ج 76 ص 233 ب 98 ح 9، مستدرک الوسائل: ج 13 ص 11 ب 29 ح 14943-1



کسی است که دست خود را به خون و گوشت خوک آلوده کند، و کسی که با این ابزارهای قمار بازی کند؛ مانند کسی است که اصرار و تکرار بر زنا نماید، و بپرهیز از خواتیم و اربعه عشر و هرگونه دیگر از اقسام قمار، حتی بازی بچه ها با گردو و بادام و طاس. و مبادا چوگان بازی کنی زیرا شیطان همراه تو می دود و فرشتگان از تو بیزار می شوند و فرد چوگان بازی که مرکبش بلغزد (به زمین بخورد) و بمیرد، داخل آتش می شود.

امام علی الرضا علیه السلام می فرمود:

«إِنَّ الشُّطْرُنَجَ وَ النَّرْدَ وَ أَزْبَعَ عَشْرَةَ وَ كُلَّ مَا قَوْمَرِ عَلَيْهِ مِنْهَا فَهُوَ مَيْسِرٌ». (1)

شطرنج و نرد و اربعه عشر و هرچیزی که با آن قمار شود، میسر (و حرام) است.

امام علی الرضا علیه السلام می فرمود:

«الْمَيْسِرُ هُوَ الْقِمَارُ». (2)

«الْمَيْسِرُ فِي الْقُرْآنِ» همان قمار است.

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند:

«النَّارُ وَ الشُّطْرُنَجُ وَ الْأَرْبَعَةُ عَشْرَ بِمَنْزِلِهِ وَاحِدَةٍ وَ كُلُّ مَا قَوْمَرِ عَلَيْهِ فَهُوَ مَيْسِرٌ». (3)

نرد و شطرنج و اربعه عشر همه یکسان هستند (در حرمت فرق بین آلات قمار نیست) و هر چیزی که با آن قمار شود؛ میسر است.

ابراهیم بن عنبسه به امام علی بن محمد الهادی علیه السلام نامه نوشت که: سرور و آقایم مرا از مقصود خداوند تعالی از این آیه: يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ... خبر دهند، قربانتان گردم «الْمَيْسِر» چیست؟ آن حضرت در پاسخ مرقوم فرمودند:

«كُلُّ مَا قَوْمَرِ بِهِ فَهُوَ الْمَيْسِرُ، وَ كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ». (4)

آنچه با آن قمار (و برد و باخت) شود، میسر می باشد، و (نوشیدن) هر مست کننده ای

ص: 22

---

1- تفسیر العیاشی: ج 1 ص 339 ح 182، عوالی اللالی: ج 2 ص 111 مسلك 4 ح 304: و روي عن أهل البيت عليهم السلام أنّ الميسر هو القمار بجميع أنواعه حتى لعب الصبيان بالجوز و البيض، متشابه القرآن، ابن شهر آشوب: ج 2 ص 210: وقال ابن عباس و ابن مسعود و الحسن و قتادة و ابن سيرين الميسر هو القمار كله، وسائل الشيعه: ج 17 ص 167 ب 35 ح 22264، بحار الأنوار: ج 76 ص 235 ب 98 ح 16

2- الكافي: ج 5 ص 126 باب القمار و... ح 9، وسائل الشيعه: ج 17 ص 165 ب 35 ح 22256 و ص 167 ح 22263، بحار الأنوار: ج 76 ص 235 ب 98 ح 15

3- الكافي: ج6 ص435 باب الرد و الشطرنج ... ح1، وسائل الشيعة: ج17 ص323 ب104 ح22665

4- تفسير العياشي: ج1 ص105 ح311، وسائل الشيعة: ج17 ص325 ب104 ح22675

حرام است.

## آیه چهارم:

﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾. (1)

از پلیدترین نوع بت پرستی اجتناب کنید و از سخن ناروا بپرهیزید.

امام جعفر صادق علیه السلام پیرامون این آیه فرمودند:

﴿الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ هُوَ الشُّطْرُنُجُ وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ﴾. (2)

(مقصود از) الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ همان شطرنج است و از قَوْلُ الزُّورِ غنا (آوازه خوانی و نوازندگی) می باشد.

زید شحام می گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام پیرامون این آیه سؤال کردم، فرمودند:

﴿الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرُنُجُ وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ﴾. (3)

مقصود از «پلیدی از بت ها (بت پرستی)» شطرنج است و مقصود از «سخن ناروا» غنا (ترانه خوانی و نوازندگی) می باشد.

عبدالأعلى گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره آیه یاد شده پرسیدم، حضرت فرمودند:

﴿الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرُنُجُ، وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ﴾.

مراد خداوند از «پلیدی از بت ها (بت پرستی)» شطرنج و مراد از «سخن ناروا» غناست.

راوی گوید: از حضرت درباره آیه: وَمِنَ النَّاسِ ... - و از مردم کسانی هستند که سخنان لهُو و بیهوده را خریدارند پرسیدم، فرمود:

﴿مِنْهُ الْغِنَاءُ﴾. (4)

از جمله آن (سخنان لهُو و بیهوده) غنا می باشد.

امام علی الهادی از پدران خود از امام جعفر صادق علیهم السلام نقل می فرمایند که آن حضرت در تفسیر آیه فوق فرمودند:

ص: 23

1- سوره (22) حج آیه 31

2- الکافی: ج 6 ص 436 باب الترد و الشطرنج ... ح 7

3- الکافی: ج 6 ص 435 باب الترد و الشطرنج ... ح 2

4- معانی الأخبار: ص 349 ح 1، وسائل الشیعة: ج 17 ص 308 ب 99 ح 22613، بحار الأنوار: ج 76 ص 245 ب 99 ح 20

«الرَّجْسُ الشَّطْرُنْجُ وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ».(1)

«الرَّجْسُ - پلید و نجس»، شطرنج و «قَوْلُ الزُّورِ - سخن ناروا» غنا (آواز خوانی و موسیقی) است.

از امام جعفر صادق علیه السلام درباره این آیه پرسیده شد، حضرت فرمودند:

«الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرُنْجُ، وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ».(2)

الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ - پلیدی از بت ها (بت پرستی)، شطرنج و قَوْلُ الزُّورِ - سخن ناروا، غنا (آوازه خوانی و نوازندگی) است.

از امام جعفر صادق علیه السلام نقل است که فرمودند:

«أَنَّ الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرُنْجُ».(3)

الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ - پلیدی از بت ها (بت پرستی)، شطرنج است.

امام جعفر صادق علیه السلام درباره شطرنج فرمودند:

«... وَ أَمَّا الشَّطْرُنْجُ فَهِيَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» فَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ عَنِ جَمِيعِ ذَلِكَ لَفِي شُغْلٍ مَا لَهُ وَ الْمَلَاهِي! فَإِنَّ الْمَلَاهِي تُوْرَثُ قَسَاوَةَ الْقَلْبِ وَ تُوْرَثُ التَّفَاقُ وَ...».(4)

و اما شطرنج، همان است که خدای عزوجل در مورد آن فرموده است: فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ و مقصود از قَوْلُ الزُّورِ غنا است و همانا مؤمن از تمامی این کارها به کار دیگر است، مؤمن را چه به آلات لهو، (مؤمن و شطرنج بازی و مطربی؟! زیرا (استعمال) آلات لهو، قساوت قلب می آورد و دورویی را به یادگار می نهد.

امام جعفر صادق علیه السلام در حدیث دیگری در تفسیر این آیه کریمه فرمودند:

«الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرُنْجُ، وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ».(5)

ص: 24

1- الأماي، الشَّيْخُ الطُّوسِي: ص 294 المجلس 11 ح 575- 22، بحار الأنوار: ج 76 ص 244 ب 99 ح 17

2- دعائم الإسلام: ج 2 ص 210 فصل 4 ح 769، مستدرک الوسائل: ج 13 ص 222 ح 81-15186-1

3- المقنعة: ص 154، مستدرک الوسائل: ج 13 ص 222 ب 81 ح 15188- 3

4- بحار الأنوار: ج 73 ص 356 ب 67 ح 22 و مستدرک الوسائل: ج 13 ص 216 ب 79 ح 15163- 4 از کتاب زيد الترسِّي: عن أبي عبد

الله قال: سأله بعض أصحابنا عن طلب الصَّيْدِ وقال له: إني رجل ألهو بطلب الصَّيْدِ و ضرب الصَّوَالِجِ و ألهو بلعب الشَّطْرُنْجِ قال:.

5- تفسير القمي: ج 2 ص 84، وسائل الشيعة: ج 17 ص 310 ب 99 ح 22619

«پلیدی از بت‌ها (بت پرستی)» شطرنج، و «سخن ناروا»، غنا می‌باشد.

شیخ صدوق می‌گوید:

«فِي التَّفْسِيرِ: أَنَّ الرَّجَسَ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرَنْجِ وَقَوْلَ الزُّورِ الْغِنَاءِ... وَاجْتَنِبِ الْمَلَاهِي كُلَّهَا وَاللَّعِبَ بِالْخَوَاتِيمِ وَالْأُزْبَعَةَ عَشْرَ فَإِنَّ الصَّادِقِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نَهَوْا عَنْ ذَلِكَ أَجْمَعًا» (1).

در تفسیر از اهل بیت علیهم السّلام است که: الرَّجَسَ مِنَ الْأَوْثَانِ شَطْرَنْجِ وَقَوْلَ الزُّورِ غِنَا می‌باشد... و از انجام کارهای بیهوده (استعمال آلات موسیقی و نوازندگی) بپرهیز و از بازی کردن با خواتیم و اربعة عشر دوری کن. زیرا امامان راستگو علیهم السّلام از انجام دادن همه آن‌ها نهی فرموده‌اند.

### آیه پنجم:

«وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» (2).

(بندگان خاص خداوند) کسانی هستند که در مجالس باطل و گناه شرکت نمی‌کنند، و هنگامی که با لغو روبرو می‌شوند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند (به آن اعتنایی نمی‌کنند).

از امام جعفر صادق علیه السّلام درباره آیه شریفه فوق سؤال شد، حضرت در جواب فرمودند:

«مِنْ ذَلِكَ الْغِنَاءُ وَالشُّطْرَنْجُ» (3).

غنا و شطرنج از (مصادیق) آن (لغو) هستند.

توضیح: لحظه ای درنگ کن! خداوند بندگان ویژه درگاهش را این گونه توصیف می‌کند، به رنگ و بویی که خود می‌پسندد: آنان در انجمن‌های گناه لحظه ای تأمل نمی‌کنند.

### آیه ششم:

«إِذْ قَالَ لِأَيِّهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ» (4).

حضرت ابراهیم علیه السّلام به پدر و قوم خویش چنین فرمودند: این صورت‌ها (بت‌ها)

ص: 25

1- المقنع: ص 154، مستدرک الوسائل: ج 13 ص 118 ب 29 ح 14944 - 2

2- سوره (25) فرقان آیه 73

3- - دعائم الإسلام: ج 2 ص 208 فصل 4 ح 763، مستدرک الوسائل: ج 13 ص 213 ب 78 ح 15147 - 7

4- سوره (21) انبیاء آیه 53

چیست که دور آن جمع شده و خود را گرفتار آن نموده اید؟!

عبدالله بن مسعود صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کند که آن حضرت بر گروهی که با شطرنج بازی می کردند گذشتند (معترضانه) این آیه را تلاوت فرمودند: «ما هذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ». (1)

شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل نموده که:

آن حضرت با گروهی که شطرنج بازی می کردند، روبرو شدند (مانند پیامبر صلی الله علیه و آله اعتراض کردند و همان آیه را تلاوت فرمودند) و مقداری خاک برداشته و روی صفحه شطرنج انداختند. آنان که اصرار داشتند با شطرنج، بازی کنند؛ هرگاه بساط شطرنج را پهن می کردند، مقداری خاک در آن می یافتند. (2)

علامه حلی می نویسد:

و (عامه) با پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد نهی از بازی با شطرنج مخالفت نمودند. و مولی الموحّدین علی علیه السلام بر گروهی شطرنج باز گذر کردند و فرمودند:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَلْعَبُونَ بِهَا وَلَا يَلْعَبُ بِهَا إِلَّا كُلُّ جَبَّارٍ وَ الْجَبَّارُ مِنَ النَّارِ يَعْنِي الشُّطْرُنْجَ». (3)

زمانی بر مردم خواهد آمد که با شطرنج بازی کنند (رایج شود)، و با آن بازی نکند مگر هر ستمگری، و ستمگر از آن آتش است، مقصود شطرنج است.

امام موسی کاظم علیهما السلام از پدر گرامش امام جعفر صادق علیه السلام در مورد مهره های شطرنج پرسید، و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«لَا يَصْلُحُ أَنْ يُلْعَبَ بِهَا». (4)

نباید (و حرام است) با آن ها بازی شود.

ص: 26

1- جامع الأخبار: ص 153 فصل 114، عوالي اللآلی: ج 1 ص 243 فصل 9 ح 166، بحار الأنوار: ج 76 ص 236 ب 98 ح 23، مستدرک الوسائل: ج 13 ص 222 ح 15189-4

2- مستدرک الوسائل: ج 13 ص 223 ب 81 ح 15191-6

3- نهج الحق: ص 568

4- مسائل علی بن جعفر علیهما السلام: ص 294 ح 751، المحاسن: ص 618، قرب الإسناد: ص 122، وسائل الشیعة: ج 5 ص 307 ب 3 ح 6622 و 6623 و ج 17 ص 298 ب 94 ح 22578، بحار الأنوار: ج 73 ص 356 ب 67 ح 24 و ج 76 ص 287 ب 107 ح 8 و 9

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (1).

و دارایی های یکدیگر را به ناحق در میان خودتان نخورید، و اموال را به (عنوان رشوه به جیب) حاکمان و قاضیان سرازیر نکنید، تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، حال آن که خودتان می دانید (که گناه می کنید).

فضیل گوید: از امام محمد باقر علیه السلام درباره چیزهایی که مردم با آن ها بازی می کنند مانند نرد و شطرنج سؤال کردم تا این که رسیدم به سُدُر، فرمود:

«إِذَا مَيَّرَ اللَّهُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ فِي أَيِّهِمَا يَكُونُ؟».

وقتی خداوند حق را از باطل جدا کند (نرد و شطرنج و ...) با کدام هستید (با حق یا باطل)؟.

گفتم: با باطل، حضرت فرمود:

«فَمَا لَكَ وَ لِلْبَاطِلِ» (2).

پس تو با باطل چکار داری؟

زراره می گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره شطرنج و بازی شیب و سه در (برخی انواع قمار) سؤال شد، فرمود:

«أَرَأَيْتَكَ إِذَا مَيَّرَ اللَّهُ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ مَعَ أَيِّهِمَا تَكُونُ؟».

وقتی خدا حق و باطل را از هم جدا کند، (شطرنج و ...) با حق خواهند بود یا با باطل؟.

عرض کردم: با باطل. فرمودند:

«فَلَا خَيْرَ فِيهِ» (3).

پس خیری در باطل نیست.

ص: 27

1- سوره (2) آیه 189

2- الکافی: ج 6 ص 436 ح 9، وسائل الشیعة: ج 17 ص 324 ب 104 ح 22667

3- الکافی: ج 6 ص 436، وسائل الشیعة: ج 17 ص 319 ب 102 ح 22650

أبو عبيده حدّاء گوید: از امام جعفر صادق علیه السّلام درباره این آیه: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» پرسیدم؛ فرمودند:

«كَانَتْ فُرُشٌ تُقَامِرُ الرَّجُلَ بِأَهْلِهِ وَ مَالِهِ فَنَهَاهُمْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْ ذَلِكَ» (1).

قریشیان بر سر مال و زن های خود قمار بازی می کردند و خداوند در این آیه آن ها را از آن (کار) نهی فرمود. امام صادق علیه السّلام درباره این آیه: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» فرمودند:

«ذَلِكَ الْقِمَارُ» (2).

مقصود از باطل (در آیه) قمار است.

امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند:

«الشُّطْرُنْجُ مِنَ الْبَاطِلِ» (3).

شطرنج از باطل (و حرام) است.

ص: 28

---

1- الكافي: ج 5 ص 122 باب القمار ... ح 1، تفسير العياشي: ج 1 ص 84 ح 20، وسائل الشّيعية: ج 17 ص 164 ب 35 ح 22254،

بحار الأنوار: ج 76 ص 234 ب 98 ح 12

2- وسائل الشّيعية: ج 17 ص 167 ب 35 ح 22267

3- الكافي: ج 6 ص 435 باب التّرد والشّطرنج... ح 4، تفسير العياشي: ج 2 ص 315 ح 153، وسائل الشّيعية: ج 17 ص 318 و 321

ب 102 ح 22647 و 22658، بحار الأنوار: ج 76 ص 236 ب 98 ح 21



نهی نبوی صلی الله علیه و آله

امام جعفر صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می فرماید که:

«... وَ نَهَى عَنِ اللَّعِبِ بِالْتَّرْدِ وَ الشُّطْرَنْجِ وَ الْكُؤْبَةِ وَ الْعَرَطَبَةِ وَ هِيَ الطُّنْبُورُ وَ الْعُودِ ...» (1).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ... و از بازی کردن با نرد و شطرنج و طبل و تار و طنبور (آلات موسیقی) نهی فرمود ...

امام جعفر صادق علیه السلام در حدیث دیگری می فرماید:

«نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله عَنِ اللَّعِبِ بِالشُّطْرَنْجِ وَ التَّرْدِ» (2).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از بازی کردن با شطرنج و نرد نهی فرمود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از خرید و فروش نرد و شطرنج نهی نموده و فرمودند:

«مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ كَأَكْلِ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ» (3).

هرکس چنین کند مانند کسی است که گوشت خوک می خورد.

خداوند از بازی نمودن با شطرنج نهی نموده و از این رو وجهی که برای خریداری آن پرداخت می شود، از جمله اموال حرام است، به همین دلیل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کسی که در

ص: 29

- 
- 1- من لایحضره الفقیه: ج 4 ص 3 باب ذکر جمل من مناهي النبي ... ح 4968، مجموعة ورام: ج 2 ص 256 وسائل الشيعة: ج 17 ص 325 ب 104 ح 22670 و بحار الأنوار: ج 73 ص 330 ب 67
  - 2- الكافي: ج 6 ص 437 باب الترد و الشطرنج ... ح 17، وسائل الشيعة: ج 17 ص 320 ب 102 ح 22654
  - 3- الأمالي، الشيخ الصدوق: ص 424 مجلس 66، بحار الأنوار: ج 100 ص 44 ب 4 ح 9 و ج 76 ص 232 ب 98 ح 7

ازای خرید و فروش آن مبلغی پرداخته یا اخذ می نماید، با عنوان کسی یاد می کنند که گوشت خوک می خورد، یعنی ... .

گناهی بس بزرگ حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام در نامه ای که به مأمون (لعنه الله) درباره ایمان نوشتند، مرقوم داشتند:

«الإيمانُ هو أداءُ الأمانةِ واجتنابُ جميعِ الكبائرِ، و... واجتنابُ الكبائرِ، وهي... والميسرِ، وهو القمارُ، و...» (1).

ایمان ادای امانت و پرهیز از همه گناهان بزرگ است، و... و پرهیز از گناهان بزرگ، و آن... و میسر است، که همان قمار می باشد، و...

## پرده های عصمت

ابوخالد کابلی گوید: شنیدم امام زین العابدین علی بن الحسین علیهما السلام فرمود:

«... وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَ اللَّعِبُ بِالْقِمَارِ» (2).

... و گناهان بزرگی که پرده های عصمت را پاره می کند، شراب خواری و قماربازی است.

توضیح: میشنوی؟ این صدای اوست که به گوش می رسد، انجام دادن این کارها پاک بودن را از من و تو می گیرد، خوب بودن را و نزدیک بودن به درگاه او را ....

## حرام محض

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«... وَ ذَلِكَ إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي هِيَ حَرَامٌ كُلُّهَا الَّتِي يَجِيءُ مِنْهَا الْفَسَادُ مَحْضًا نَظِيرَ الْبِرَابِطِ، وَ الْمَزَامِيرِ، وَ الشُّطْرُنِجِ، وَ كُلِّ مَلْهُوٍّ بِهِ، وَ الصُّلْبَانِ، وَ الْأَصْنَامِ، وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنْ صِنَاعَاتِ الْأَشْرِبَةِ الْحَرَامِ، وَ مَا يَكُونُ مِنْهُ وَ فِيهِ الْفَسَادُ مَحْضًا، وَ لَا يَكُونُ مِنْهُ وَ لَا فِيهِ شَيْءٌ مِنْ وُجُوهِ»

ص: 30

1- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 126 ب 35، وسائل الشريعة: ج 15 ص 329 ب 46 ح 20660، بحار الأنوار: ج 76 ص 12

ب 68 ح 12

2- معاني الأخبار: 270، وسائل الشريعة: ج 16 ص 281 ب 41 ح 21556، بحار الأنوار، ج 70 ص 375 ب 138

الصَّلَاحِ، فَحَرَامٌ، تَعْلِيمُهُ، وَتَعَلُّمُهُ، وَالْعَمَلُ بِهِ، وَأَخَذَ الْأَجْرَةَ عَلَيْهِ، وَجَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ، مِنْ جَمِيعِ وُجُوهِ الْحَرَكَاتِ كُلِّهَا،...» (1).

... خدا صنعت هایی را حرام نموده که تمامی اش حرام است، و فساد محض در آن است نظیر، تارها، نی ها (آلات نوازندگی و موسیقی)، شطرنج، و هر آلت لهو دیگر، و ساختن صلیب، بت، و امثال این ها مانند؛ شراب درست کردن، و آن چیزی که در آن فساد محض باشد، و از آن و در آن وجه مصلحت نباشد، پس یاد دادن، و یاد گرفتن، و عمل کردن، و به کار گرفتن این آلات، و هرگونه حرکت، و اجرت گرفتن بر اینها حرام است، ... .

### نزدیکش مشو

ابوالرَّيِّعِ شامی گوید: از امام صادق علیه السَّلام درباره شطرنج و نرد سؤال شد. آن حضرت فرمود:

«لَا تَقْرَبُوهُمَا».

نزدیک آن دو نشوید.

گفتم: غنا چطور؟ فرمود:

«لَا خَيْرَ فِيهِ لَا تَقْرَبُهُ» (2).

خیری در آن نیست. نزدیک آن نشو.

توضیح: تو که اهل دقت هستی خوب می فهمی که عبارت «با شطرنج بازی نکن» با عبارت «نزدیک آن نشو»، تفاوتی آشکار دارد و العاقل تکفیه الإشارة ... .

### در آتش شدن

امام علی الرضا علیه السَّلام فرمودند:

«الْمُطَّلِعُ فِي الشُّطْرَنْجِ كَالْمُطَّلِعِ فِي النَّارِ» (3).

آن که از شطرنج آگاهی می یابد مانند کسی است که آگاه در آتش شده است.

ص: 31

1- تحف العقول، ص 335، وسائل الشَّيعة: ج 17 ص 83 ب 2 ح 22047، بحار الأنوار: ج 100 ص 47 ب 4

2- وسائل الشَّيعة: ج 17 ص 320 ب 102 ح 22655

3- الكافي: ج 6 ص 437 ح 16، وسائل الشَّيعة: ج 17 ص 322 ب 103 ح 22662

## شطرنج و نگاه

پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند:

«مَلْعُونٌ مَنْ لَعِبَ بِالْأَسْتَرِيقِ يَعْنِي الشُّطْرُنَجَ، وَ النَّاطِرُ إِلَيْهِ كَأَكْلِ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ».

کسی که با شطرنج بازی کند مورد لعنت است و تماشاگر آن، مانند کسی است که گوشت خوک می خورد.

و در حدیث دیگری فرمود:

«النَّاطِرُ إِلَيْهِ كَالنَّاطِرِ إِلَى فَرْجِ أُمِّهِ» (1).

نگاه کننده به شطرنج مانند کسی است که شرمگاه مادرش را نگاه کند.

## دستی آلوده

علی بن رئاب می گوید: بر امام جعفر صادق علیه السلام وارد شدم و عرضه داشتم: فدایت شوم! درباره شطرنج چه می فرمایید؟ فرمود:

«الْمُقَلَّبُ لَهَا كَالْمُقَلَّبِ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ».

کسی که مهره شطرنج را بگیرد، مانند زیر و رو کننده گوشت خوک است.

عرض کردم: کسی که گوشت خوک را زیر و رو کند چه وظیفه ای دارد؟ فرمود:

«يَغْسِلُ يَدَهُ» (2).

(باید) دست خود را بشوید (و تطهیر کند).

حضرت امام المتقیین امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«مِنَ السُّحْتِ؛ ... وَ ثَمَنُ الشُّطْرُنَجِ وَ ثَمَنُ التَّرْدِ ...».

از جمله اموال حرام؛ ... و پول شطرنج، و پول نرد است (مبلغی که بابت خرید یا فروش آن پرداخت یا گرفته می شود و یا هر اجرت دیگری که به واسطه شطرنج داده و یا گرفته

ص: 32

1- جامع الأخبار: ص 153 فصل 114، بحار الأنوار: ج 76 ص 237 ب 98، مستدرک الوسائل: ج 13 ص 223 ب 82 ح 15192-1

2- الکافی: ج 6 ص 437 باب الترد و الشطرنج... ح 15، وسائل الشیعة: ج 17 ص 322 ب 103 ح 22663

## شطرنج در خانه؟

در کتاب فقه منسوب به امام علیّ الرضا علیه السلام آمده است:

«أَنَّ مَنْ لَقِيَ فِي بَيْتِهِ طُنْبُورًا أَوْ عُودًا أَوْ شَيْئًا مِنَ الْمَلَاهِي مِنَ الْمُعْزَفَةِ وَالشُّطْرُنْجِ وَالْأَشْبَاهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنْ مَاتَ فِي أَرْبَعِينَ مَاتَ فَاجِرًا فَاسِقًا مَأْوَاهُ النَّارُ وَبُسُّ الْمَصِيرِ» (1).

هر که طنبور یا تار (آلات موسیقی) یا هر چیز دیگر از وسایل لهو و آلات ساز و شطرنج و مانند این ها را چهل روز در خانه اش نگهداری کند، در خشم خدا داخل شده (خود را از لطف خدا محروم گردانده) و اگر در این چهل روز بمیرد فاجر و فاسق مرده و جایگاهش آتش خواهد بود و بد جایگاهی است.

توضیح: خدای تو و من خود فرمود: رحمتم همه چیز را فرا گرفته است، اما بین چه آسوده اما بی اطلاع، خود را از رحمت او دور می سازد، خدایش آگاه کند.

## کاری یزیدی و مجوسی گری

مسعدة بن زیاد گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره شطرنج سؤال شد، حضرت فرمود:

«دَعُوا الْمَجُوسِيَّةَ لِأَهْلِهَا لَعَنَهَا اللَّهُ» (2).

مجوسی گری را برای اهلس واگذارید، خدا لعنتش کند.

فضل بن شاذان می گوید: شنیدم از امام علیّ الرضا علیه السلام که می فرمود:

«لَمَّا حَمَلَ رَأْسَ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الشَّامِ أَمَرَ يَزِيدُ لَعَنَهُ اللَّهُ فَوُضِعَ وَنُصِبَ عَلَيْهِ مَائِدَةٌ فَأَقْبَلَ هُوَ وَأَصْحَابُهُ يَأْكُلُونَ وَيَسْتَرْبُونَ الْفُتَّاعَ فَلَمَّا فَرَعُوا أَمَرَ بِالرَّأْسِ فَوُضِعَ فِي طَسْتٍ تَحْتَ سِدْرِيَّةٍ وَبُسِطَ عَلَيْهِ رُفْعَةُ الشُّطْرُنْجِ وَجَلَسَ يَزِيدُ لَعَنَهُ اللَّهُ يَلْعَبُ بِالشُّطْرُنْجِ وَيَذْكُرُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَآبَاءَهُ وَ

ص: 33

1- فقه الرضا علیه السلام: ص 282 ب 45، بحار الأنوار: ج 76 ص 253 ب 100 ح 11، مستدرک الوسائل: ج 13 ص 218 ب 79 ح 10 - 15169

2- الكافي: ج 6 ص 437 ح 13، وسائل الشیعة: ج 17 ص 319 ب 102 ح 22652.

جَدَّهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَيَسَّ تَهْزِيءُ بِذِكْرِهِمْ فَمَتَّى قَامَرَ صَاحِبَهُ تَنَاوَلَ الْفُقَّاعَ فَشَرِبَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ صَبَّ فَضَلَّتْهُ عَلَيَّ مَا يَلِي الطَّسْتِ مِنَ الْأَرْضِ  
فَمَنْ كَانَ مِنْ شَيْعَتِنَا فَلْيَتَوَرَّعْ عَنْ شُرْبِ الْفُقَّاعِ وَاللَّعِبِ بِالشُّطْرُنْجِ وَمَنْ نَظَرَ إِلَيَّ الْفُقَّاعِ أَوْ إِلَيَّ الشُّطْرُنْجِ فَلْيَذْكُرِ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلْيَلْعَنُ  
يَزِيدَ وَآلَ زِيَادٍ يَمْحُو اللَّهُ عَزَّوَلَّ بِذَلِكَ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ بِعَدَدِ النُّجُومِ» (1).

چون سر مقدس امام حسین علیه السلام به شام حمل شد، یزید لعنه الله فرمان داد تا سر قرار داده شود و بر آن سفره غذایی قرار گرفت و خود و همراهانش شروع به خوردن و آبجو نوشیدن نمودند، و پس از آن فرمان داد تا سر مقدس را در طشتی زیر سرپوشی قرار داده و بر آن بساط شطرنج را پهن نمودند و یزید لعنه الله برای شطرنج بازی نشست و از امام حسین علیه السلام و پدر و جد گرامش به مسخره کردن یاد می کرد و هرگاه که نوبت بازی حریفش می شد، آنجومی نوشید، تا این که سه مرتبه آبجو نوشید و زیادی آن را بر زمین کنار طشت ریخت. هر که از شیعیان ما (اهل بیت) می باشد، دامان خود را از گناه نوشیدن آبجو و بازی با شطرنج، پاک نگاه دارد. و هرکس که نگاهش به آبجو و یا به شطرنج افتاد، باید امام حسین علیه السلام را یاد کند و یزید و آل زیاد را لعنت نماید، بدین سبب خداوند گناهان او را محو (نابود) می نماید، گرچه به شماره ستارگان باشد.

تذکر: آبجو نوشیدن و شطرنج بازی نمودن، کار یزید است و دوست دارانش، ولی آنان که سنگ حسین فاطمه علیهما السلام را به سینه می زنند هرگز با یزید و کار او میانه ای ندارند.

### مؤمن و شطرنج ... !!!

عبدالواحد گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره بازی کردن با شطرنج پرسیدم؛ فرمود:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَمَسْغُولٌ عَنِ اللَّعِبِ» (2).

مؤمن از بازی (روی گردان و) به کار (معرفت و طاعت) است.

ص: 34

- 
- 1- من لا یحضره الفقیه: ج 4 ص 419 ح 5915، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج 2 ص 22 ب 30 ح 50، جامع الأخبار: ص 153 فصل 114، الدعوات، الرّاوندی: ص 162 ح 447، وسائل الشّیعة: ج 25 ص 363 ب 27 ح 32133، بحار الأنوار: ج 44 ص 299 ب 36 ح 2.
- 2- قرب الإسناد: ص 81، الخصال: ج 1 ص 26 ح 92، وسائل الشّیعة: ج 17 ص 320 ب 102 ح 22656، بحار الأنوار: ج 76 ص 230 ب 98 ح 2

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«بَيْعُ الشُّطْرُنْجِ حَرَامٌ وَأَكْلُ ثَمَنِهِ سُحْتٌ وَاتِّخَاذُهَا كَفْرٌ وَاللَّعِبُ بِهَا شِرْكٌ وَالسَّلَامُ عَلَى اللَّهِ فِيهَا مَعْصِيَةٌ وَكَبِيرَةٌ مُوبِقَةٌ وَالْحَائِضُ يَذُوهَا كَالْحَائِضِ يَذُوهَا فِي لَحْمِ الْخِنْزِيرِ لَا صَدَاقَةَ لَهُ حَتَّى يَغْسِلَ يَدَهُ كَمَا يَغْسِلُ لَهَا مِنْ مَسِّ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ وَالنَّاظِرُ إِلَيْهَا كَالنَّاظِرِ فِي فَرْجِ أُمِّهِ وَاللَّاهِي بِهَا وَالنَّاظِرُ إِلَيْهَا فِي حَالٍ مَا يُلْهِي بِهَا وَالسَّلَامُ عَلَى اللَّهِ فِيهَا فِي حَالَتِهِ تَلْكَ فِي الْإِثْمِ سَوَاءٌ وَمَنْ جَلَسَ عَلَى اللَّعِبِ بِهَا فَقَدْ تَبَوَّأَ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ وَكَانَ عَيْشُهُ ذَلِكَ حَسْرَةً عَلَيْهِ فِي الْقِيَامَةِ وَإِيَّاكَ وَمُجَالَسَةَ اللَّهِ وَالْمَغْرُورِ بِلَعِبِهَا فَإِنَّهَا مِنَ الْمَجَالِسِ الَّتِي بَاءَ أَهْلُهَا بِسَخَطِ مِنَ اللَّهِ يَتَوَقَّعُونَهُ فِي كُلِّ سَاعَةٍ فَيَعُمَّكَ مَعَهُمْ» (1).

فروختن شطرنج و خوردن پول آن حرام و گرفتن آن کفر، و بازی با آن شرک است و سلام کردن به بازی کننده با آن، معصیت و گناه بزرگ و نابودگر است. هرکس دست خود را به آن آلوده کند، مانند کسی است که دست خود را به گوشت خوک آلوده نموده باشد؛ نماز ندارد مگر این که دست خود را بشوید (تطهیر نماید) و تماشاگر آن مانند کسی است که به شرمگاه مادرش نگاه کند و سرگرم شونده و بیننده و سلام کردن (سلام کننده) به شطرنج باز در هنگام بازی با شطرنج، همه در گناه با یکدیگر یکسان هستند. و هرکس در مجلس شطرنج بازی، برای بازی کردن بنشیند، حتماً جایگاه خود را آتش قرار داده، و این خوشی (اندک) در روز قیامت برای او حسرت خواهد بود. و بپرهیز از کسی که شطرنج بازی می کند و به بازی با آن مغرور شده، زیرا این مجلس از مجالسی است که غضب خدا اهلش را فراگرفته و هر لحظه، در معرض نزول غضب الهی هستند، آن گاه تو را نیز همراه با ایشان فرا می گیرد.

ص: 35

## آنجا که نور رحمت عامه الهی نمی تابد ...

پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرماید:

«مَلْعُونٌ مَنْ جَرَّ اللَّعْبَ بِالِاسْتِرِيقِ يَعْنِي الشُّطْرُنَجَ». (1)

کسی که بازی خود را به شطرنج بکشاند (شطرنج بازی کند)؛ مورد لعنت (خداوند) است.

## محروم از نظر لطف او

مردی از اهل بصره بر امام موسی کاظم علیه السلام وارد شد و عرضه داشت: فدایت شوم! من با گروهی که شطرنج بازی می کنند می نشینم و بازی نمی کنم تنها نگاه می کنم (آیا اشکال دارد؟) آن حضرت فرمود:

«مَا لَكَ وَ لِمَجْلِسٍ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى أَهْلِهِ». (2)

تو با مجلسی که خدا به اهل آن نظر رحمت نمی اندازد؛ چه کار داری؟!...

## دور از یاد خدا ...

امام علی الرضا علیه السلام می فرماید:

مردی خدمت امام محمد باقر علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: ای اباجعفر! درباره شطرنج - که با آن بازی می کنند - چه می فرمایید؟ حضرت فرمود: پدرم علی بن الحسین علیهما السلام به من خبر داد از پدرش حسین بن علی از پدرش امیرالمؤمنین علیهم السلام از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که آن حضرت فرمود:

«مَنْ كَانَ نَاطِقًا فَكَانَ مَنْطِقُهُ لِيُغَيِّرَ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَانَ لَاغِيًا وَمَنْ كَانَ صَامِتًا فَكَانَ صَمْتُهُ لِيُغَيِّرَ ذِكْرَ اللَّهِ كَانَ سَاهِيًا». (3)

کسی که سخنی می گوید که یاد خدا نباشد لاغی (بیهوده گو) است، و اگر ساکت باشد و سکوتش هم برای یاد خدا نباشد غافل است.

سپس حضرت سکوت فرمودند، و آن مرد برخاست و رفت.

ص: 36

1- مستدرک الوسائل: ج 13 ص 223 ب 81 ح 15190-5

2- الکافی: ج 6 ص 437 باب الترد و الشطرنج ... ح 12، وسائل الشیعة: ج 17 ص 322 ب 103 ح 22661

3- الکافی: ج 6 ص 37؛ باب الترد و الشطرنج ... ح 14: ... عن محمد بن علی بن جعفر عن الرضا علیه السلام قال: جاء رجل إلى أبي جعفر فقال: يا أبا جعفر! ما تقول في الشطرنج التي يلعب بها الناس؟ فقال: أخبرني أبي علي بن الحسين عن الحسين بن علي عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: . وسائل الشیعة: ج 17 ص 320 ب 102 ح 22653



توضیح: کسی که سخن گفتن و نگفتن او برای خدا نباشد، از یاد خدا دور است. این جا سخن گفتن بدل از فعل است. حتی از یاد خدا دور می کند مرا، در حالی که من بدون او هیچ و پوچم و نظر رحمت اوست که مرا ارزشمند می کند.

### آنجا که او همه را می بخشد ...

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ لِلَّهِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عِتْقَاءَ مِنَ النَّارِ إِلَّا مَنْ أَفْطَرَ عَلَى مُسْكِرٍ أَوْ مُشَاحِنٍ أَوْ صَاحِبِ شَاهَيْنٍ».

در هر شب از ماه رمضان برای خدا آزاد شدگانی از آتش است، مگر کسی که با نوشیدنی مست کننده افطار کند، کسی که با مسلمانی کینه توزی کند، و صاحب شاهین .

راوی گوید: پرسیدم: شاهین چیست؟ فرمود:

«الشُّطْرُنْجُ» (1).

و آن شطرنج می باشد.

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«يَغْفِرُ اللَّهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَّا لِثَلَاثَةٍ؛ صَاحِبِ مُسْكِرٍ، أَوْ صَاحِبِ شَاهِينٍ، أَوْ مُشَاحِنٍ» (2).

در ماه رمضان خداوند (همه را) می آمرزد، مگر سه کس را؛ شراب خوار، شطرنج باز و کسی که با مسلمانی کینه توزی کند.

### محروم از مهر سلام

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند:

«نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُسَدَّ لَمْ عَلَى أَرْبَعَةٍ؛ عَلَى السُّكْرَانِ فِي سُكْرِهِ، وَعَلَى مَنْ يَعْمَلُ التَّمَاثِيلَ، وَعَلَى مَنْ يَلْعَبُ بِالنَّرْدِ، وَ عَلَى مَنْ يَلْعَبُ»

ص: 37

1- الكافي: ج 6 ص 435 باب النرد و الشطرنج ... ح 5، من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 98 ح 1839، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 60 ب 4

ح 6، الأمالي، الشيخ الطوسي: ص 690 مجلس 39 ح 1468-11

2- الكافي: ج 6 ص 436 باب النرد و الشطرنج ... ح 10

بِالْأُزْبَعَةِ عَشْرٍ، وَأَنَا أُزِيدُكُمْ الْخَامِسَةَ؛ أَنْهَأَكُمُ أَنْ تُسَلِّمُوا عَلَيَّ أَصْحَابِ الشُّطْرُنِجِ» (1).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سلام کردن به چهار نفر نهی فرمود؛ 1- می گسار در هنگام مستی 2- بت تراش 3- کسی که با نرد بازی می کند 4- و کسی که با اربعة عشر بازی کند، و من پنجمین را می افزایم؛ و شما را باز می دارم از سلام کردن به اهل شطرنج (یعنی کسانی که به نحوی شطرنج را به زندگی خود راه داده اند).

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«سِتَّةٌ لَا يَنْبَغِي أَنْ تُسَلَّمَ عَلَيْهِمْ، الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى، وَأَصْحَابُ النَّزْدِ وَالشُّطْرُنِجِ، وَأَصْحَابُ خَمْرِ، وَبَرِبَطٍ وَطَنْبُورٍ، وَ...» (2).

شش دسته هستند که جایز نیست به آن ها سلام کنی؛ یهودی، مسیحی، صاحب نرد و شطرنج، می گسار، و اهل تار و طنبور (نوازندگان ... و ...).

حضرت امام محمدباقر علیه السلام فرمود:

«لَا تُسَلِّمُوا عَلَيَّ؛ الْيَهُودَ، وَلَا عَلَيَّ النَّصَارَى، وَلَا عَلَيَّ الْمَجُوسِ، وَلَا عَبَدَةَ الْأَوْثَانِ، وَلَا عَلَيَّ مَوَائِدِ شُرَابِ الْخَمْرِ، وَلَا عَلَيَّ صَاحِبِ الشُّطْرُنِجِ وَالنَّزْدِ، وَ...» (3).

بر یهودیان، مسیحیان، مجوسیان، بت پرستان، و کسانی که بر سفره شراب نشسته اند (می خواران)، اهل شطرنج و نرد و ... سلام نکنید.

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«السَّلَامُ عَلَيَّ بِاللَّاهِي بِالشُّطْرُنِجِ مَعْصِيَهُ وَكَبِيرَةُ مُوبِقَهُ، وَاللَّاهِي بِهَا، وَالتَّائِظُ إِلَيْهَا فِي حَالٍ مَا يُلْهَى بِهَا، وَالسَّلَامُ عَلَيَّ اللَّاهِي بِهَا فِي حَالَتِهِ تِلْكَ فِي الْإِثْمِ سَوَاءً» (4).

ص: 38

1- الخصال: ج 1 ص 237 ح 80، مشكوة الأنوار: ص 198 الفصل 4، وسائل الشيعة: ج 12 ص 49 ب 28 ح 15613، بحار الأنوار: ج 73 ص 8 ب 97 ح 32 و ص 356 ب 67 ح 23.

2- الخصال: ج 1 ص 330 ح 29، مشكوة الأنوار: ج 1 ص 198 فصل 4، وسائل الشيعة: ج 12 ص 50 ب 28 ح 15616 و ص 79 ب 49 ح 15693، بحار الأنوار: ج 73 ص 9 ب 97 ح 34 و ص 360 ب 67 ح 10.

3- الخصال: ج 2 ص 484، روضة الواعظين: ج 2 ص 94 مجلس في ذكر إفشاء السلام ...، مشكاة الأنوار: ص 198 الفصل 4، وسائل الشيعة: ج 12 ص 51 ب 28 ح 15617، بحار الأنوار: ج 73 ص 9 ب 97 ح 35 و ج 81 ص 309 تحقيق أنيق ... ح 35، مستدرک الوسائل: ج 1 ص 382 ب 10 ح 923-1.

4- بحار الأنوار: ج 73 ص 10 ب 97 ح 43.

سلام کردن به کسی که با شطرنج، بازی می کند، نافرمانی خدا و گناهی بزرگ و نابودکننده است. شطرنج باز و تماشاگر آن (شطرنج) هنگام بازی، و سلام کننده به شطرنج باز در هنگام بازی، در گناه یکسانند.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«الْأَلْعِبُ بِالشُّطْرُنْجِ مُشْرِكٌ، وَ السَّلَامُ عَلَى اللَّهِ بِهٍ مَعْصِيَةٌ» (1).

شطرنج باز مشرک است، و سلام کردن به کسی که با آن (شطرنج) سرگرم باشد، گناه است.

توضیح: امام جعفر صادق علیه السلام می خواهند یک نکته لطیف را به تو و من بگویند: الزامی نیست که برای حرام بودن بازی با شطرنج، قید برد و باخت را به آن اضافه کنیم، یعنی حتی اگر ... هم ...؟ یعنی خودت حسابش را بکن وقتی نگاه کردن به آن، خرید و فروش آن، شرکت در محفل آن، سلام کردن به اهل آن و همنشینی با آنان حرام باشد، آیا می توان قید با برد و باخت یا بدون آن را به شطرنج بازی اضافه نمود و به آن لباس اسلام پوشاند؟ ...

### غیبتش روا

در فقه منسوب به امام رضا علیه السلام آمده است:

«... وَ لَا غَيْبَةَ لِلْفَاجِرِ وَ شَارِبِ الخَمْرِ وَ اللَّاعِبِ بِالشُّطْرُنْجِ وَ القِمَارِ» (2).

... فاجر (گناه کار)، فاسق (آن که اظهار به گناه می کند)، شرابخوار، شطرنج باز و قمارباز (حرمت) غیبت ندارند.

### گواهی اش ناروا

علاء بن سیابه می گوید: شنیدم امام جعفر صادق علیه السلام می فرمود:

«لَا تُقْبَلُ شَهَادَةٌ؛ صَاحِبِ التَّرْدِ، وَ الْأَرْبَعَةَ عَشَرَ، وَ صَاحِبِ الشَّاهِنِ، يَقُولُ: لَا وَاللَّهِ وَ بَلَى وَاللَّهِ، مَاتَ وَاللَّهِ شَاهًا، وَ قُتِلَ وَاللَّهِ شَاهًا، وَ مَا مَاتَ وَ مَا قُتِلَ» (3).

گواهی صاحب نرد (قمارباز)، و دوزباز، و صاحب شطرنج (شطرنج باز) قبول نمی شود

ص: 39

1- عوالي اللآلي: ج 2 ص 111 ح 306، مستدرک الوسائل: ج 13 ص 223 ب 82 ح 15194 - 3

2- فقه الرضا عليه السلام: ج 205 ب 30، بحار الأنوار: ج 72 ص 257 ب 66 ح 47 و ج 93 ص 275 ب 32 ح 19

3- الكافي: ج 7 ص 396 ح 9، من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 43 ح 3291، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 243 ب 91 ح 9، وسائل الشيعة: ج 27 ص 380 ب 33 ح 34002

(عدالت ندارند)، (شطرنج باز) می گوید: نه به خدا سوگند و بله به خدا سوگند، به خدا سوگند شاهی مُرد و به خدا سوگند شاهی کشته شد. در حالی که نه مُرد و نه کشته شد.

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«... وَلَا تُقْبَلُ شَهَادَةُ شَارِبِ الْخَمْرِ وَلَا شَهَادَةُ اللَّاعِبِ بِالشُّطْرُنْجِ وَالتَّرْدِ وَلَا شَهَادَةُ الْمُقَامِرِ» (1).

گواهی شرابخوار، شطرنج باز، کسی که با نرد بازی می کند و قمارباز، قبول نمی شود.

توضیح: او با شطرنج بازی روح خویش را نابود می کند به طوری که دیگر راستی را نمی بیند و نمی تواند ببیند و حتی اگر هم ببیند، نمی تواند به زبان آورده و بپذیرد ...

از نشانه های آخرالزمان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام (درباره علانم آخرالزمان) فرمودند:

«... وَرَأَيْتِ الْقِمَامَ قَدْ ظَهَرَ، وَرَأَيْتِ الشَّرَابَ يُبَاعُ ظَاهِرًا، لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ، وَرَأَيْتِ النِّسَاءَ يَسْذُلْنَ أَنْفُسَهُنَّ لِأَهْلِ الْكُفْرِ، وَرَأَيْتِ الْمَلَاهِي قَدْ ظَهَرَتْ، يُمَرُّ بِهَا لَا يَمْنَعُهَا أَحَدٌ أَحَدًا، وَلَا يَجْتَرِي أَحَدٌ عَلَى مَنَعِهَا» (2).

... و آن گاه که قماربازی، و شراب فروشی را آشکارا بینی، و زنان را ببینی که اندام خود را به کفار بیخشند، مفسد را آشکار ببینی، و مشاهده کنی که هیچ کس از رهگذران، از آن (فساد) منع ننماید، و کسی جرأت نکند دیگری را از آن مفسد بازدارد.

## سخن پایانی

ای کاش همه ما معنای گناه را می فهمیدیم. چهار حرف بیشتر ندارد ولی چهار ستون بدن را می لرزاند. چه چیز بدتر از این است که خدا نگاه لطف خود را از من بگیرد؟ یا نه، من به او پشت کنم و نخواهم بپذیرم که او برای من نیکویی را می پسندد؟... نخواهم ببینم که او مرا پاک می خواهد، برای خودش بدون غل و غش، تا امروز دنیایم آباد باشد و وسیله ای برای آباد شدن

ص: 40

1- من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 40 ح 3282

2- الكافي: ج 8 ص 36 - 38 في حديث أبي عبد الله عليه السلام مع المنصور لعنه الله في موكبه ح، وسائل الشيعة: ج 16 ص 277 ب 41 ح 21554، بحار الأنوار: ج 2، ص 257 ب 25 ح 147

زندگی جاودانه ام، فراهم سازم؟! ... .

براستی مگر زور و زر دنیا چه چیزی با خود دارد و چقدر ارزش و دوام دارد که من بخواهم احساس در سایه لطف خدا بودن را به آن بفروشم؟ آیا اگر همه دنیا از آن ما بود، حاضر نبودیم آن را بپردازیم تا خدا از ما راضی شود؟

فقط همین را بدانیم: برای آن مرد از آن سلاله پاک، یک قدم هم برداریم کافیست. اگر هر کدام از ما یک قدم بردارد، راهی نمانده، خوب بودن سخت نیست، اما تلاش می خواهد و درک این که این یک قدم ها وظیفه ای است که باید از عهده آن برآیم، خود حکایتی طولانی دارد، پس به جای حرف بهتر است به دنبال عمل برویم.

و در پایان تو را که میدانم قلبت از آن اوست و برای او می تپد به او می سپارم تا به من و ما بگوید: فرقی نمی کند که شطرنج چطور بازی شود، تفاوتی نیست که مثلاً بر سر چیزی و یا مبلغی باشد یا غیر آن. و هرگز انبیاء و ائمه علیهم السلام با شطرنج و دیگر آلات قمار و لهو دست های خود را آلوده نکرده اند.

کافی است نگاهی به ادیان نسخ و تحریف شده و پیروان فرقه های گمراه و گمراه کننده بیندازیم و توجه کنیم که چه کسانی هستند که از این آلات استفاده می کنند.

خدا کند که بفهمیم، و اگر فهمیدیم به لطف او، خدا کند که وارد راه شویم، و اگر وارد راه شدیم به لطف او، خدا کند رهایش نکنیم، باز هم به لطف او ... .

وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

حیدر حسین الترتبی الکرلابی عفی الله عن والديه و عنه آمین

جمادی الآخرة 1428 ه.ق

ص: 41

### حرام بودن ذات آلات قمار و شطرنج

سؤال - آیا ذات آلات قمار شطرنج حرام است یا این که بازی با آن حرام است و آیا بدون برد و باخت، به چه دلیل حرام است؟

جواب- حرمت لعب (بازی) با شطرنج انصراف به بازی با رهان و قمار بر سر چیزی نیست، زیرا در روایات آمده که جمیع تصرفات آن و تقلب (زیر و رو کردن آن) شرک و کفر است، همین طور تقرب (و نزدیکی) به آن، و مستفاد از منع قرب به آن اراده مبالغه در اجتناب و تنزه از آن است. و در صحیحہ بزندی از امام جعفر صادق علیه السلام است که فرمود:

«بَيْعُ الشُّطْرَنْجِ حَرَامٌ، وَ أَكْلُ ثَمَنِهِ سُحْتٌ، وَ اتِّخَاذُهَا كُفْرٌ، وَ اللَّعِبُ بِهَا شِرْكٌ، وَ السَّلَامُ عَلَى اللَّاهِي بِهَا مَعْصِيَةٌ وَ كَبِيرَةٌ مُؤَبَّقَةٌ، وَ الْحَائِضُ يَذُ فِيهَا كَالْحَائِضِ يَذُ فِي لَحْمِ الْخِنْزِيرِ، وَ لَا صَلَاةَ لَهُ حَتَّى يَغْسِلَ يَدَهُ كَمَا يَغْسِلُهَا مِنْ مَسِّ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ، وَ النَّاطِرُ إِلَيْهَا كَالنَّاطِرِ فِي فَرْجِ أُمِّهِ، وَ اللَّاهِي بِهَا وَ النَّاطِرُ إِلَيْهَا فِي حَالِ مَا يُلْهِي بِهَا وَ السَّلَامُ عَلَى اللَّاهِي بِهَا فِي حَالَتِهِ تِلْكَ فِي الْإِثْمِ سَوَاءٌ، وَ مَنْ جَلَسَ عَلَى اللَّعِبِ بِهَا فَقَدْ دَبَّ تَبَوَّأَ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ، وَ كَانَ

عَيْشُهُ ذَلِكَ حَسْرَةً عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَإِيَّاكَ وَ مُجَالَسَةَ الْأَلْهِي الْمَغْرُورِ بِلَعِبِهَا، فَإِنَّهُ مِنَ الْمَجَالِسِ الَّتِي قَدْ بَاءَ أَهْلُهَا بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ يَتَوَقَّعُونَهُ كُلَّ سَاعَةٍ فَيَعْمُكَ مَعَهُمْ» (1).

فروختن شطرنج، و خوردن پول آن حرام، و گرفتن آن کفر، و بازی با آن شرک است، و سلام کردن به بازی کننده با آن، معصیت و گناه بزرگ و نابودگر است. هرکس دست خود را به آن آلوده کند، مانند کسی است که دست خود را به گوشت خوک آلوده نموده باشد؛ نماز ندارد مگر این که دست خود را بشوید (تطهیر نماید)، و تماشاگر آن مانند کسی است که به شرمگاه مادرش نگاه کند، و سرگرم شونده، و بیننده، و سلام کردن (سلام کننده به شطرنج باز در هنگام بازی با شطرنج، همه در گناه با یکدیگر یکسان هستند. و هرکس در مجلس شطرنج بازی برای بازی کردن بنشیند، حتماً جایگاه خود را آتش قرار داده، و این خوشی (اندک) در روز قیامت برای او حسرت خواهد بود. و بپرهیز از کسی که شطرنج بازی می کند و به بازی با آن مغرور شده، زیرا این مجلس از مجالسی است که غضب خدا اهلش را فراگرفته و هر لحظه، در معرض نزول غضب الهی هستند، آن گاه تو را نیز همراه با ایشان فرا می گیرد.

و روایت ابوالربیع شامی از امام جعفر صادق علیه السلام در جواب به سؤال از شطرنج و نرد فرمود: « لَا تَقْرَبُوهُمَا - لَا تَقْرَبَهُمَا »، هر چند که ابو الربیع مجهول است لکن حسن بن محبوب که از اصحاب إجماع است از او روایت نموده است و این روایت معتمد است. (2).

و مجموع روایات درباره شطرنج و ما أعدد و وضع للقمار نیز می رساند که آن ها ذاتاً حرام اند، و هرگونه تقلبی با آن ها نیز حرام است، زیرا وضع آن ها برای قمار بوده است. و از برای شطرنج و نرد تعبیر لعب شده است، و به دلیل این که همه انواع تقلبات با آن دو بنابر فرمایش امام صادق علیه السلام حرام است، پس انصراف به بازی با شطرنج تنها با قمار کردن و بر سر رهان و چیزی نیست. و در

ص: 43

- 
- 1- السّرائر الحاوي لتحرير الفتاوي (و المستطرفات): ج 3 ص 577- و من ذلك ما استطرفناه من جامع البزنطيّ صاحب الرضا عليه السلام: عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام
- 2- الخصال: ج 1 ص 251 باب النّهي عن أربعة أشياء و عن أربعة ظروف ... ح 119 - حدّثنا محمّد بن موسى بن المتوكّل رضي الله عنه قال: حدّثنا عبد الله بن جعفر الحميريّ، عن أحمد بن محمّد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن خالد بن جرير، عن أبي الربيع الشاميّ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سئل عن الشّطرنج و التّرد؟ قال: لا تَقْرَبُوهُمَا. قلت: فالغناء؟ .... و معاني الأخبار: ص 226 باب معني الآباء و المزفت و الحنتم و التّقيح 1 - أبي رحمه الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن يعقوب بن يزيد، عن الحسن بن محبوب، عن خالد بن جرير، عن أبي الربيع الشاميّ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سئل عن التّرد و الشّطرنج؟ قال: لا تَقْرَبُوهُمَا... وسائل الشّيعه: ج 17 ص 320 ب 102 ح 10-22655

حدیث شریف تحف العقول از امام جعفر صادق علیه السلام است که فرمود:

«... وَ ذَلِكَ إِنََّّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي حَرَّمَ هِيَ كُلُّهَا الَّتِي يَجِيءُ مِنْهَا الْفَسَادُ مَحْضًا نَظِيرًا؛ الْبَرَابِطُ وَالْمَزَامِيرُ وَالشُّطْرُنَجُ وَ كُلُّ مَلْهُوْبِهِ وَ الصُّلْبَانِ وَ الْأَصْدَانِ وَ مَا أَشَدَّ بِهِ ذَلِكَ مِنْ صِنَاعَاتِ الْأَشْدِّ رِبِّهِ الْحَرَامِ وَ مَا يَكُونُ مِنْهُ وَ فِيهِ الْفَسَادُ مَحْضًا وَ لَا يَكُونُ فِيهِ وَ لَا مِنْهُ شَيْءٌ مِنْ وُجُوهِ الصَّلَاحِ فَحَرَامٌ تَعْلِيمُهُ وَ تَعَلُّمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ أَخْذُ الْأَجْرِ عَلَيْهِ وَ جَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ مِنْ جَمِيعِ وُجُوهِ الْحَرَكَاتِ كُلِّهَا...» (1)

و همانا خداوند متعال کار و ابزاری را حرام کرده است که تمام (کاربرد و مصرف) آن حرام است و جز در راه فساد کاربرد ندارد؛ مانند تارسازی و نی سازی و شطرنج سازی و هر آلت لهو دیگری و همچنین حرام فرموده است ساختن صلیب ها و بت ها و شبیه آن ها، مانند نوشیدنی های حرام و آن چه که از آن و در آن جز فساد نیست و از آن و در آن چیزی از کاربردهای سالم نباشد. آموختن آن و آموزش دادن آن و کار کردن با آن و مزد گرفتن برای آن و همه کاربردهای آن و هرگونه حرکتی با آنها حرام است.

حضرت تصریح دارد که هیچ گونه وجه صلاحی در این مصادیقی که ذکر فرموده که شطرنج از آن ها است نمی باشد، و مطلقاً انتفاع از شطرنج و ما أعدد للقمار حرام است. و روایاتی که دلالت دارند بر این که شطرنج به منزله گوشت خوک است مفید آن است. علی ابن رئاب میگوید: نزد امام جعفر صادق علیه السلام رفتم و به امام عرض کردم: فدایت گردم! درباره شطرنج چه می فرمایید؟ امام علیه السلام فرمود:

«الْمُقَلَّبُ لَهَا كَالْمُقَلَّبِ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ».

حرکت دهنده مهره های آن، همانند زیر و رو کننده گوشت خوک است!

پرسیدم: چه چیزی بر زیر و رو کننده گوشت خوک است؟ امام فرمود:

ص: 44



دستش را بشوید. دیگر این که اصل وضع شطرنج و نرد و مانند آن ها از آلات قمار برای قمار کردن با آن ها وضع شده اند.

و دلیل دیگر اجماع شیعه است چنان که در کتب فقهیه خود تصریح نموده اند، و تصریح بر عدم خلاف شده است.

از جمیع آن ها استفاده می شود که شطرنج و آلات قمار ذاتاً حرام اند.

در سوره 2 قرآن کریم آیه 220 آمده است:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا...».

و در آیه دیگری آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».

در هر دو آیه سخن از «میسیر» رفته است که در تفسیر اهل بیت اظهار علیهم السلام همان قمار است.

در آیه سوم: سوره 5 المائده آیه 91 و 92 آمده است:

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ».

در آیه اول: آن را دارای اثم کبیر و در آیه دوم رجس و از عمل شیطان و امر به اجتناب مؤمنین از آن فرموده است و در آیه سوم اراده شیطان در نوشیدن شراب و عمل قمار را ایجاد دشمنی میان مؤمنین و بغض و کینه و جلوگیری و بازداشت از ذکر و یاد خدا و برپا داشتن نماز ذکر فرموده.

ص: 45

---

1- الکافی: ج 6 ص 437 باب الترد و الشطرنج... ح 15 - عدّه من أصحابنا، عن سهل بن زیاد، عن ابن محبوب، عن ابن رثاب قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فقلت: جعلت فداك! ما تقول في الشطرنج؟ قال: المقلّب لها كالمقلّب لحم الخنزير. فقلت: ما على من قلب لحم الخنزير؟ قال: يغسل يده. ضعف این روایت منجبر است به شهرت عمل شیعه و اجماع آنان

و امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«وَأَمَّا الْمَيْسِرُ فَالتَّرْدُ وَ الشُّطْرُنْجُ وَ كُلُّ قِمَارٍ مَيْسِرٌ ... كُلُّ هَذَا بَيْعُهُ وَ شِرَاؤُهُ وَ الْإِنْتِفَاعُ بِشَيْءٍ مِنْ هَذَا حَرَامٌ مِنَ اللَّهِ مُحَرَّمٌ وَ هُوَ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ وَ قَرَنَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَ الْمَيْسِرَ مَعَ الْأَوْثَانِ» (1).

اما معنای ميسر، نرد و شطرنج و هر قاری ميسر است ... و تمام اين موارد خريد و فروش و هر گونه بهره برداری از اينها حرام است؛ از جانب خدا حرام شده و پليد و از کار شيطان است، و خداوند شراب و قمار را قرين بت ها قرار داده است.

توضیح آن که: گناه می گساری و قماربازی با بت پرستی و کفر ورزیدن به خدا قرين است.

از امام محمد باقر علیه السلام است که فرمود:

«يَدْخُلُ فِي الْمَيْسِرِ اللَّعِبُ بِالشُّطْرُنْجِ وَ التَّرْدِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنْ أَنْوَاعِ الْقِمَارِ حَتَّى أَنْ لَعِبَ الصَّبِيَّانِ بِالْجَوْزِ مِنَ الْقِمَارِ» (2).

بازی با شطرنج و نرد و غير اين دو از انواع قمار، همه داخل در ميسر است، حتی گردوبازی بچه ها هم قار (و از مصاديق ميسر) است (و همان حکم را دارد).

و از امام جعفر صادق عليه السلام درباره آیه: «... فَأَجْتَبُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (3) پرسیده شد که حضرت فرمودند:

«الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ» مقصود شطرنج است و مقصود از «قَوْلَ الزُّورِ» غنا است و نرد شدیدتر از شطرنج است. و فرمود:

«... وَ لَا يَجُوزُ اللَّعِبُ بِالْخَوَاتِيمِ وَ الْأَرْبَعَةَ عَشَرَ وَ كُلُّ ذَلِكَ وَ أَشْبَاهُهُ قِمَارٌ حَتَّى لَعِبَ الصَّبِيَّانِ بِالْجَوْزِ هُوَ الْقِمَارُ ...» (4).

و جایز نیست بازی با خواتیم و اربعة عشر و همه آن ها و چیزهای دیگری که شبیه آن

ص: 46

- 
- 1- تفسیر القمی: ج 1 ص 180، تفسیر العیاشی: ج 1 ص 339، وسائل الشیعة: ج 17 ص 321 ب 102 ح 22657، تفسیر البرهان: ج 1 ص 497، تفسیر نور الثقلین: ج 1 ص 669، بحار الانوار: ج 76 ص 228 ب 98 ح 1
  - 2- تفسیر مجمع البیان: ج 3 ص 370
  - 3- سوره (22) الحج آیه 31
  - 4- فقه الرضا علیه السلام: ص 284 ح 4، و من لایحضره الفقیه: ج 4 ص 58 باب حدّ شرب الخمر ح 5093

است قمار می باشد و حتی بازی کودکان با گردو که همان نیز قمار است ...

و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«... وَ أَمَّا الشُّطْرَنْجُ فَهِيَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»، فَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عَنِ جَمِيعِ ذَلِكَ لَفِي شُغْلٍ، مَا لَهُ وَالْمَلَاهِي؟! فَإِنَّ الْمَلَاهِي تُوْرثُ فِسَاوَةَ الْقَلْبِ، وَ تُوْرثُ النَّفَاقَ، وَ...» (1)

و اما شطرنج، همان است که خدای عزوجل در مورد آن فرموده است: از پلیدی از بت ها (بت پرستی) اجتناب ورزید، و از سخن ناروا دوری کنید و «سخن ناروا» غنا است، و همانا مؤمن از تمامی این کارها به کار دیگر است، مؤمن را چه به آلات لهو، (مؤمن و شطرنج بازی و مطربی؟! ) زیرا (استعمال) آلات لهو، قساوت قلب می آورد، و دورویی را به یادگار می نهد، و ...

و در کتاب المقنع ابن بابویه قمی: ص 154 که از کتب متون احادیث است آمده:

در تفسیر از اهل بیت علیهم السلام است که:

«أَنَّ الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرَنْجُ، وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ، ... وَ اجْتَنِبِ الْمَلَاهِي كُلَّهَا، وَ اللَّعْبَ بِالْخَوَاتِيمِ وَ الْأَرْبَعَةَ عَشَرَ، فَإِنَّ الصَّادِقِينَ نَهَوْا عَنِ ذَلِكَ أَجْمَعًا».

«الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ» شطرنج و «قَوْلُ الزُّورِ» غنا می باشد ... و از انجام کارهای بیهوده (استعمال آلات موسیقی) پرهیز، و از بازی کردن با خواتیم و اربعة عشر دوری کن. زیرا امامان راستگو از انجام دادن همه آنها نهی فرموده اند.

و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«... وَ ذَلِكَ إِمَّا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي هِيَ حَرَامٌ كُلُّهَا الَّتِي .. مِنْهَا الْفَسَادُ

ص: 47

و احادیث دیگری که تعمیم داده شده است حرمت بازی نمودن و لهو و سرگرمی با آلات قمار و غیر آلات قمار را.

دیگر این که همان آثاری که در بازی با آلات قمار چون شطرنج است، در هو و بازی با آلات دیگری که برد و باخت دارند مانند بیلارد و آن چه ذکر شد نیز می باشد.

در صریح فرمایش معصومین علیهم السلام است که آن چه برد و باخت و بازی و لهو باشد خواه شطرنج و نرد و اربعة عشر و بازی با گردو و غیره همگی حرام محض می باشد زیرا آثار سوء در همه آن ها می باشد خواه با رهان و قمار بر سر چیزی باشد یا نباشد.

دیگر این که تأسیس این ابزار از جانب کفار برای قمار و برد و باخت و اِتلاف عمر و ترویج روحیه سلطه طلبی و قساوت قلب و دوری از ذکر خدا و نماز و آن چه خوب است می باشد، و موافق شیطان رجیم و حزب و لعنهم الله است.

ص: 48

القرآن الکریم، کلام الله سبحانه و تعالی.

نهج البلاغة: الإمام أميرالمؤمنین علی بن أبی طالب علیهما السلام (شهادت سال 40هـ-). چاپ دارالمعرفة - بیروت.

و تحقیق صبحی الصالح، نشر دارالأسوة، اوقاف چاپ اول 1415هـ-.

الف

الأمالی: الشیخ الصدوق محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (ت 381 هـ-)، مكتبة الإسلامية، 1362 ش.

الأمالی: شیخ الطائفة الحقة أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (ت 460 هـ-)، دارالثقافة - قم، چاپ اول 1414 هـ-.

و مؤسسه بعثت - قم، چاپ اول 1414 هـ-.

الإحتجاج: أحمد بن علی بن أبی طالب الطبرسي (ت 560 هـ-)، منشورات دارالتعمان النجف الأشرف.

إرشاد القلوب: حسن بن أبی الحسن محمد الدیلمی (از علمای قرن 8)، نشر الرضی - قم، چاپ دوم 1409 هـ-.

و دارالأسوة، تهران، 1417 هـ-.

ص: 49

الإستبصار: شيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي (ت460هـ-)، دارالكتب الإسلامية - تهران. أعلام الدين: الواعظ الديلمي (ت841هـ-) مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ اول.

إعلام الوري: أمين الإسلام الشيخ فضل بن الحسن الطبرسي (ت548هـ-)، انتشارات دارالكتب الإسلامية - قم، چاپ 3.

ب

بحار الأنوار: العلامة محمد باقر المجلسي (ت1111هـ-)، دار الكتب الإسلامية تهران، چاپ چهارم 1362 ش.

و مؤسسه الوفاء - بيروت، 1403.

بصائر الدرجات الكبرى: محمد بن الحسن الصفار (ت290هـ-)، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشي نجفي، چاپ 2.

ت

تحف العقول، حسن بن علي الحزائي (قرن 4)، جامعه مدرسين حوزة علميه قم، چاپ دوم 1404 هجري.

تفسير القمي: علي بن ابراهيم القمي (ت 329 هـ-)، مؤسسه دارالكتاب - قم، چاپ 3، 1404 هـ-. تفسير نورالثقلين: الشيخ عبد علي بن جمعة العروسي الحويزي (ت 1112 هـ-)، تحقيق: سيدهاشم رسولي محلاتي، چاپ و نشر مؤسسه اسماعيليان - قم.

تفسير العياشي: محمد بن مسعود العياشي (ت 320 هـ-)، چاپخانه علميه - تهران، 1380 هـ. ش -.

تهذيب الأحكام: شيخ الطائفة الحقة محمد بن الحسن الطوسي (ت460هـ-)، دارالكتب الإسلامية - تهران چاپ 4.

ج

جامع الأخبار: محمد بن محمد السبزواري (قرن 7)، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم.

الجعفریات (الأشعيات): محمد بن محمد بن الأشعث الكوفي (القرن 4)، چاپ مكتبة نينوى

ص: 50

خ

الخصال: الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه (ت381هـ-)، جامعه مدرسين حوزة علميه - قم.

د

دعائم الإسلام: نعمان بن محمد التميمي المغربي (ت363هـ-)، دارالمعارف - مصر، چاپ دوم 1385 هـ.

ر

راز شطرنج: سعيد رمزي (معاصر)، نشر يوسف فاطمه عليها السلام - مشهد مقدس، چاپ چهارم 1385 ش.

رجال الكشي = إختيار معرفة الرجال: شيخ الطائفة الحقة أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (ت460هـ-)، شرح و تعليق: ميرداماد إسترآبادي، تحقيق: سيد مهدي رجايي، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، چاپ اول 1404 هـ.

روضة الواعظين: الشهيد محمد بن الفثال التيشابوري رضوان الله عليه (شهيد در 508 هـ-)، منشورات الرضي - قم.

و چاپ مكتبة المصطفوي - قم، 1377 هـ.

و نشر دليل ما - قم، چاپ اول 1423 هـ.

ع

علل الشرائع: الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه (ت381هـ-)، المطبعة الحيدريه - النجف الأشرف، 1386 هـ.

عوالي اللآلي العزيزية في الأحاديث الدينية: ابن أبي جمهور الأحسائي (ت880هـ-)، تحقيق مجتبي عراقى، نشر سيد الشهداء - قم، چاپ اول 1405 هـ.

عيون أخبار الرضا عليه السلام: الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه (ت381هـ-)، نشر مؤسسة الأعلمي - بيروت.

غ

غرر الحكم: عبدالواحد الأمدي التميمي (ت550هـ-)، دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه - قم، چاپ اول 1366ش.

الغيبة: شيخ الطائفة الحقة محمد بن الحسن الطوسي (ت460هـ-)، مؤسسة المعارف الإسلامية - قم، چاپ اول 1411هـ-.

ف

فقه الرضا عليه السلام: تحقيق مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ كنگره جهانی امام رضا عليه السلام.

ق

قرب الإسناد: عبدالله بن جعفر الحميري القمي (قرن 3)، كتابخانه نینوا تهران.

و چاپ مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم.

ک

الكافي: ثقة الإسلام أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازي (ت329هـ-)، دارالكتب الإسلامية - تهران، چاپ سوم 1388هـ-.

كنز الفوائد: أبو الفتح محمد بن علي الكراچكي (ت449هـ-)، انتشارات مكتبة المصطفي - قم.

م

المقنع: الشيخ الصدوق أبو جعفر محمد بن علي بن بابويه القمي (ت381هـ-)، نشر مؤسسه امام هادی عليه السلام - قم.

المقنعة: الشيخ المفيد محمد بن محمد بن نعمان العكبري البغدادي (ت314هـ-)، نشر جامعه مدرسين، قم.

ص: 52



متشابه القرآن: محمد بن علي بن شهر آشوب المازندراني (ت588هـ-)، انتشارات بيدار، 1328ش.

مجموعة ورام = تنبيه الخواطر ونزهة النواظر: ورام بن ابي فراس المالكي الاثري (ت605هـ-)، دارالكتب الإسلامية - تهران.

المحاسن: الشيخ أحمد بن محمد بن خالد البرقي (ت280هـ-)، نشر دارالكتب الإسلامية.

مجمع البيان في تفسير القرآن: فضل بن الحسن بن فضل الطوسي (ت560)، نشر مؤسسه الأعلمي - بيروت.

مجموعة ورام = تنبيه الخواطر ونزهة النواظر: ورام بن ابي فراس المالكي الاثري (ت605هـ-)، دارالكتب الإسلامية - تهران.

مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل: الحاج ميرزا حسين الثوري الطبرسي (ت1320هـ-)، مؤسسة آل البيت عليهم السلام - قم، 1407هـ-.

مسائل علي بن جعفر و مستدركاتها: علي بن جعفر الحسيني العلوي العريضي (ت210هـ-)، تحقيق مؤسسة آل البيت عليه السلام، چاپ اول 1409هـ-.

مستطرفات السرائر: محمد بن إدريس الحلبي (ت598هـ-)، جامعه مدرسين حوزة علميه - قم، چاپ دوم 1411هـ-.

مشكوة الأنوار في غرر الأخبار: أبو الفضل علي الطبرسي (وفات در اوایل قرن هفتم)، مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم.

من لا يحضره الفقيه: الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه القمي (ت381هـ-)، نشر جامعه مدرسين حوزة علميه - قم، چاپ دوم 1404هـ-.

منية المرید في آداب المفید و المستفید: الشهيد الثاني زين الدين بن علي بن أحمد العاملي الشامي (ت965هـ-)، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزة علميه - قم، چاپ اول 1409هـ-.

نهج الحق وكشف الصدق: العلامة حسن بن يوسف بن علي بن مطهر الحلبي (ت729هـ-)، چاپ 4، دارالهجرة - قم.

و

وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة: الشيخ محمد بن الحسن الحر العاملي (ت1104هـ-)، تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ اول 1611هـ-.

ص: 54

- 1- سوره (34) سبأ آیه 46.
- 2- سوره (30) الروم آیه 31: « فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا».
- 3- سوره (19) التوبة آیه 105: « وَقَلِّ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ».
- 4- سوره (6) الأنعام آیه 154: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ».
- 5- سوره (7) الأعراف آیه 158.
- 6- سوره (8) الأنفال آیه 38.
- 7- سوره (4) النساء آیه 14: «.... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ».
- سوره (4) النساء آیه 60: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا».
- سوره (4) النساء آیه 70: « وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا».
- سوره (4) النساء آیه 81: « مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا».
- سوره (24) التور آیه 53: « وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ».
- سوره (33) الأحزاب آیه 72: «... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا».
- سوره (48) الفتح آیه 81: «... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ

مَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَاباً أَلِيماً».

8- سوره (76) الدهر (الإنسان) آیه 4: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا».

9- بحار الأنوار: ج 6 ص 249 ب 8 و ج 58، ص 78: التَّيِّبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَا خُلِقْتُمْ لِلْفَنَاءِ بَلْ خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ وَإِنَّمَا تَتَّقُلُونَ مِنْ دَارِ إِلَى دَارٍ». پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند: شما برای نابود شدن آفریده نشده اید، بلکه آفریده شده اید تا بمانید و جاودانی شوید و همانا از خانه ای (دنیا) به خانه دیگر (آخرت) منتقل می شوید.

و غرر الحکم: ص 133 ح 2291: «إِنَّمَا خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ وَإِنِّكُمْ فِي دَارٍ بُلُغِهِ وَ مَنْزِلِ قُلْعِهِ».

10- «أَنْتَ كَمَا أَحْبَبْتُ فَأَجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ». امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: پروردگارا! تو همانطوری که من دوست دارم، مرا هم همانگونه کن که خود دوست می داری.

الخصال: ج 2 ص 420، روضة الواعظین: ج 1 ص 109، بحار الأنوار: ج 74 ص 402 ب 15 و ج 91 ص 92 ب 32.

11- سوره (6) الأنعام آیه 44: «فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».

12- سوره (14) ابراهیم علیه السلام آیه 23: «... وَ مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَ لُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ».

13- سوره (51) الذاریات آیه 56.

14- فزازی از دعای شریف ندبه که از امام جعفر صادق و حضرت صاحب الأمر علیهما السلام نقل شده است.

15- الکافی: ج 2 ص 414 باب أدنی ما یكون به العبد مؤمناً... ح 1.

16- کنز الفوائد: ج 1 ص 352، وسائل الشیعة: ج 27 ص 169 ب 12 ح 33515، بحار الأنوار: ج 2 ص 260 ب 31 ح 17 و ج 71 ص 28 ب 18 ح 7، مستدرک الوسائل: ج 12 ص 217 ب 14 ح 2.

ص: 56

17- الكافي: ج 1 ص 58 باب البدع و الرأى و المقاييس ... ح 19.

18- بصائر الدرجات: ص 148 ب 13 ح 7.

19 - الكافي: ج 1 ص 54 باب البدع و ... ح 2، عوالى اللآلى: ج 4 ص 70 جمله 2 ح 39، نهج الحق: ص 37، منية المرید: ص 186، وسائل الشیعة: ج 16 ص 269 ب 40 ح 21538، بحار الأنوار: ج 105 ص 15 اجازة 28.

20- بحار الأنوار: ج 54 ص 234.

21- إرشاد القلوب: ج 1 ص 69 ب 17.

22- رجال الكشبي: ص 493 ح 946، علل الشرائع: ج 1 ص 235 ب 171 ح 1، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 112 ب 10 ح 2، الغيبة، الشيخ الطوسي: ص 63، وسائل الشیعة: ج 16 ص 271 ب 40 ح 21546، بحار الأنوار: ج 48 ص 252 ب 10.

23 - سورة (3) آل عمران (آل محمد صلى الله عليهم) آیه 32.

24- سورة (2) آیه 220.

25- در کتاب راز شطرنج نوشته: سعید رمزی صفحه 105 و 106 آمده است: آیا شطرنج تقویت کننده نیروی فکر است؟ در جواب این سؤال می توان اثرات بازی شطرنج و پیامدهای آن را در بعد فکری و عقلی از دیدگاه روانشناسان، کارشناسان و قهرمانان شطرنج جهان چنین توصیف کرد: بسیار خسته کننده، خطرناک، نابود کننده سایر منابع و فعالیت های ذهنی، موجب اختلال حواس، منشأ ایجاد انگیزه زشت اسارت و پدرکشی، موجب بروز عواطف نامطلوب، منشأ ایجاد تنفر از حریف، اعتیاد آور، مانع خوشبختی و موجب تزلزل بنیان خانواده ... .

بنا به نظر کارشناسان حتی افراد کودن و کم هوش نیز به خوبی می توانند شطرنج بازی کنند، به طوری که دیوانگان بر دانشجویان پیروز می شوند.

واقعاً این بازی چه زیبا فکر را تقویت می کند. و چه زیبا فکریک شطرنج باز تقویت می گردد

ص: 57

آن جا که حاضر است اعضای خود را و بالاتر از آن، همسر خود را در معرض برد و باخت قرار دهد، و یا پس از باخت از فرط خشم و غضب لوازم اطراف خود را بشکند، و یا خود را برای مدتی زندانی کند، و حتی حریف خود را از طبقه دوم به بیرون پرتاب نماید، و در نهایت مبتلا به بیماری های روانی، عصبی و حملات قلبی و مرگ نابهنگام گردد؟ یک ضرب المثل فرانسوی می گوید: اگر قلب مهربانی داشته باشی نمی توانی شطرنج بازی کنی. بازی شطرنج بفرض که یک نوع تقویت فکر باشد، تقویت فکر جنگجویی و ستیز است، و تقویت هر فکری پسندیده نیست. باید فکر انسانیت، دوستی و صمیمیت، صلح و صفا را تقویت کرد، و هیچ کدام از این ها از یک بازی جنگی بدست نمی آید. شاید یکی از فلسفه های ممنوعیت شطرنج همین جنگ فکری آن باشد.

26- سوره (5) مائده آیه 91 و 92.

27 - الکافی: ج 6 ص 435 باب الترد و الشطرنج... ح 3، وسائل الشیعة: ج 17 ص 324 ب 104 ح 22666 و در آن چنین آمده: الشَّطْرُنْجُ وَ التَّرْدُ هُمَا الْمَيْسِرُ.

28- تفسیر القمی: ج 1 ص 180، تفسیر العیاشی: ج 1 ص 339، وسائل الشیعة: ج 17 ص 324 ب 104 ح 22657، تفسیر البرهان: ج 1 ص 497، تفسیر نور الثقلین: ج 1 ص 669، بحار الأنوار: ج 76 ص 228 ب 98 ح 1.

29- تفسیر العیاشی: ج 1 ص 341 ح 186، وسائل الشیعة: ج 17 ص 322 ب 102 ح 22660، بحار الأنوار: ج 76 ص 235 ب 98 ح 18.

30- مجمع البیان: ج 3 ص 370، تفسیر نور الثقلین: ج 1 ص 699 ح 345.

31- وسائل الشیعة: ج 17 ص 326 ب 104 ح 22676.

32 - الکافی: ج 6 ص 437 باب الترد و الشطرنج... ح 11، تفسیر العیاشی: ج 1 ص 261 ح 185، وسائل الشیعة: ج 17 ص 321 ب 102 ح 22659 و ص 104 ح 22668 و ص 325

ص: 58

ح22672، بحار الأنوار: ج76 ص 235 ب98 ح17.

33 - الكافي: ج1 ص436 باب الترد و الشطرنج ... ح8، وسائل الشيعة: ج17 ص324 ب104 ح22669.

34- الكافي: ج5 ص122 باب القمار... ح2، من لا يحضره الفقيه: ج3 ص190 ح3087، تهذيب الأحكام: ج6 ص371 ب93 ح196، وسائل الشيعة: ج17 ص165 ح22257.

35 - فقه الرضا عليه السلام: ص284 ح4، من لا يحضره الفقيه: ج4 ص58 باب حدّ شرب الخمر... ح5093، بحار الأنوار: ج76 ص233 ب98 ح9، مستدرک الوسائل: ج13 ص224 ب83 ح15196 - 2.

36- نوعی بازی بچه ها است که روی زمین خطوط جدول مانند کشیده و روی خطوط سنگ هایی را گذاشته و بازی می کنند.

37- فقه الرضا عليه السلام: ص284 ب46، بحار الأنوار: ج76 ص233 ب98 ح9، مستدرک الوسائل: ج13 ص11 ب29 ح14943-1.

38- تفسير العياشي: ج1 ص339 ح182، عوالي اللآلي: ج2 ص111 مسلك4 ح304: وروي عن أهل البيت عليهم السلام أنّ الميسر هو القمار بجميع أنواعه حتى لعب الصّبيان بالجوز و البيض، متشابه القرآن، ابن شهر آشوب: ج2 ص210: وقال ابن عباس و ابن مسعود و الحسن و قتادة و ابن سيرين الميسر هو القمار كلّه، وسائل الشيعة: ج17 ص167 ب35 ح22264، بحار الأنوار: ج76 ص235 ب98 ح16.

39 - الكافي: ج5 ص126 باب القمار و... ح9، وسائل الشيعة: ج17 ص165 ب35 ح22256 و ص167 ح22263، بحار الأنوار: ج76 ص235 ب98 ح15.

4- الكافي: ج6 ص435 باب الترد و الشطرنج ... ح1، وسائل الشيعة: ج17 ص323 ب104 ح22665.

ص: 59

41- تفسير العياشي: ج 1 ص 105 ح 311، وسائل الشيعة: ج 17 ص 325 ب 104 ح 22675.

42 - سورة (22) حج آية 31.

43 - الكافي: ج 6 ص 436 باب الترد و الشطرنج ... ح 7.

44 - الكافي: ج 6 ص 435 باب الترد و الشطرنج ... ح 2.

45 - معاني الأخبار: ص 349 ح 1، وسائل الشيعة: ج 17 ص 308 ب 99 ح 22613، بحار الأنوار: ج 76 ص 245 ب 99 ح 20.

46 - الأمالي، الشيخ الطوسي: ص 294 المجلس 11 ح 575-22، بحار الأنوار: ج 76 ص 244 ب 99 ح 17.

47- دعائم الإسلام: ج 2 ص 210 فصل 4 ح 769، مستدرك الوسائل: ج 13 ص 222 ح 81-15186-1.

48- المقنعة: ص 154، مستدرك الوسائل: ج 13 ص 222 ب 81 ح 15188-3.

49 - بحار الأنوار: ج 73 ص 356 ب 67 ح 22 و مستدرك الوسائل: ج 13 ص 216 ب 79 ح 15163-4 از كتاب زيد الترسى: عن أبي عبد الله قال: سأله بعض أصحابنا عن طلب الصبيد وقال له: إني رجل ألهو بطلب الصبيد و ضرب الصوالج و ألهو بلعب الشطرنج قال: .: 50 - تفسير القمي: ج 2 ص 84، وسائل الشيعة: ج 17 ص 310 ب 99 ح 22619.

51- المقنع: ص 154، مستدرك الوسائل: ج 13 ص 118 ب 29 ح 14944-2.

52- سورة (25) فرقان آية 73.

53- دعائم الإسلام: ج 2 ص 208 فصل 4 ح 763، مستدرك الوسائل: ج 13 ص 213 ب 78 ح 15147-7.

54- سورة (21) انبياء آية 53.

55- جامع الأخبار: ص 153 فصل 114، عوالي اللآلي: ج 1 ص 243 فصل 9 ح 166، بحار الأنوار:

ص: 60



ج76 ص236 ب98 ح23، مستدرک الوسائل: ج13 ص222 ح15189-4.

56 - مستدرک الوسائل: ج13 ص223 ب81 ح15191-6.

57 - نهج الحق: ص568.

58 - مسائل علی بن جعفر علیهما السلام: ص294 ح751، المحاسن: ص618، قرب الإسناد: ص122، وسائل الشیعة: ج5 ص307 ب3 ح6622 و6623 و6623 ح17 ص298 ب94 ح22578، بحار الأنوار: ج73 ص356 ب67 ح24 و67 ص76 ح287 ب107 ح8 و9.

59 - سورة (2) آیه 189.

60 - الكافي: ج6 ص436 ح9، وسائل الشیعة: ج17 ص324 ب104 ح22667.

61 - الكافي: ج6 ص436، وسائل الشیعة: ج17 ص319 ب102 ح22650.

62 - الكافي: ج5 ص122 باب القمار... ح1، تفسير العياشي: ج1 ص84 ح20، وسائل الشیعة: ج17 ص164 ب35 ح22254، بحار الأنوار: ج76 ص234 ب98 ح12.

63 - وسائل الشیعة: ج17 ص167 ب35 ح22267.

64 - الكافي: ج6 ص435 باب الترد و الشطرنج... ح4، تفسير العياشي: ج2 ص315 ح153، وسائل الشیعة: ج17 ص318 و321 ب102 ح22647 و22658، بحار الأنوار: ج76 ص236 ب98 ح21.

65 - من لا يحضره الفقيه: ج4 ص3 باب ذكر جمل من مناهي النبي... ح4968، مجموعة وزّام: ج2 ص256 وسائل الشیعة: ج17 ص325 ب104 ح22670 و بحار الأنوار: ج73 ص330 ب67.

66 - الكافي: ج6 ص437 باب الترد و الشطرنج... ح17، وسائل الشیعة: ج17 ص320 ب102 ح22654.

67 - الأمالي، الشيخ الصدوق: ص424 مجلس66، بحار الأنوار: ج100 ص44 ب4 ح9 و76

ص: 61

ص 232 ب 98 ح 7.

68- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 126 ب 35، وسائل الشيعة: ج 15 ص 329 ب 46 ح 20660، بحار الأنوار: ج 76 ص 12 ب 68 ح 12.

69 - معاني الأخبار: 270، وسائل الشيعة: ج 16 ص 281 ب 41 ح 21556، بحار الأنوار، ج 70 ص 375 ب 138.

70- تحف العقول، ص 335، وسائل الشيعة: ج 17 ص 83 ب 2 ح 22047، بحار الأنوار: ج 100 ص 47 ب 4.

71- وسائل الشيعة: ج 17 ص 320 ب 102 ح 22655.

72 - الكافي: ج 6 ص 437 ح 16، وسائل الشيعة: ج 17 ص 322 ب 103 ح 22662.

73- جامع الأخبار: ص 153 فصل 114، بحار الأنوار: ج 76 ص 237 ب 98، مستدرک الوسائل: ج 13 ص 223 ب 82 ح 15192-1.

74- الكافي: ج 6 ص 437 باب الترد و الشطرنج... ح 15، وسائل الشيعة: ج 17 ص 322 ب 103 ح 22663.

75 - الجعفریات: ص 180، مستدرک الوسائل: ج 13 ص 69 ب 5 ح 14773-1.

76- فقه الرضا عليه السلام: ص 282 ب 45، بحار الأنوار: ج 76 ص 253 ب 100 ح 11، مستدرک الوسائل: ج 13 ص 218 ب 79 ح 15169 - 10.

77 - الكافي: ج 6 ص 437 ح 13، وسائل الشيعة: ج 17 ص 319 ب 102 ح 22652.

78- من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 419 ح 5915، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 22 ب 30 ح 50، جامع الأخبار: ص 153 فصل 114، الدعوات، الزاوندی: ص 162 ح 447، وسائل الشيعة: ج 25 ص 363 ب 27 ح 32133، بحار الأنوار: ج 44 ص 299 ب 36 ح 2.

79- قرب الإسناد: ص 81، الخصال: ج 1 ص 26 ح 92، وسائل الشيعة: ج 17 ص 320 ب 102

ص: 62

ح 22656، بحار الأنوار: ج 76 ص 230 ب 98 ح 2.

80- وسائل الشيعة: ج 17 ص 323 ب 103 ح 22664، بحار الأنوار: ج 76 ص 234 ب 98 ح 13.

81- مستدرک الوسائل: ج 13 ص 223 ب 81 ح 15190-5.

82- الكافي: ج 6 ص 437 باب الترد و الشطرنج ... ح 12، وسائل الشيعة: ج 17 ص 322 ب 103 ح 22661.

83- الكافي: ج 6 ص 37؛ باب الترد و الشطرنج ... ح 14: ... عن محمد بن علي بن جعفر عن الرضا عليه السلام قال: جاء رجل إلى أبي جعفر فقال: يا أبا جعفر! ما تقول في الشطرنج التي يلعب بها الناس؟ فقال: أخبرني أبي علي بن الحسين عن الحسين بن علي عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: . وسائل الشيعة: ج 17 ص 320 ب 102 ح 22653.

84- الكافي: ج 6 ص 435 باب الترد و الشطرنج ... ح 5، من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 98 ح 1839، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 60 ب 4 ح 6، الأمالي، الشيخ الطوسي: ص 690 مجلس 39 ح 1468-11.

85 - الكافي: ج 6 ص 436 باب الترد و الشطرنج ... ح 10.

86- الخصال: ج 1 ص 237 ح 80، مشكاة الأنوار: ص 198 الفصل 4، وسائل الشيعة: ج 12 ص 49 ب 28 ح 15613، بحار الأنوار: ج 73 ص 8 ب 97 ح 32 و ص 356 ب 67 ح 23.

87- الخصال: ج 1 ص 330 ح 29، مشكاة الأنوار: ج 1 ص 198 فصل 4، وسائل الشيعة: ج 12 ص 50 ب 28 ح 15616 و ص 79 ب 49 ح 15693، بحار الأنوار: ج 73 ص 9 ب 97 ح 34 و ص 360 ب 67 ح 10.

88 - الخصال: ج 2 ص 484، روضة الواعظين: ج 2 ص 94 مجلس في ذكر إفشاء السلام ...، مشكاة الأنوار: ص 198 الفصل 4، وسائل الشيعة: ج 12 ص 51 ب 28 ح 15617، بحار الأنوار: ج 73 ص 9 ب 97 ح 35 و ج 81 ص 309 تحقيق أنيق ... ح 35، مستدرک الوسائل: ج 1 ص 382 ب 10.

ص: 63

ح 923-1.

89- بحار الأنوار: ج 73 ص 10 ب 97 ح 43.

90- عوالي اللآلي: ج 2 ص 111 ح 306، مستدرک الوسائل: ج 13 ص 223 ب 82 ح 15194 - 3.

91- فقه الرضا عليه السلام: ج 205 ب 30، بحار الأنوار: ج 72 ص 257 ب 66 ح 47 و ج 93 ص 275 ب 32 ح 19.

92 - الكافي: ج 7 ص 396 ح 9، من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 43 ح 3291، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 243 ب 91 ح 9، وسائل الشيعة: ج 27 ص 380 ب 33 ح 34002.

93 - من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 40 ح 3282.

94- الكافي: ج 8 ص 36 - 38 في حديث أبي عبدالله عليه السلام مع المنصور لعنه الله في موكبه ح، وسائل الشيعة: ج 16 ص 277 ب 41 ح 21554، بحار الأنوار: ج 2، ص 257 ب 25 ح 147.

95 - السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي (و المستطرفات): ج 3 ص 577- و من ذلك ما استطرفناه من جامع البزنطي صاحب الرضا عليه السلام: عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام.

96 - الخصال: ج 1 ص 251 باب النهي عن أربعة أشياء وعن أربعة ظروف ... ح 119 - حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل رضي الله عنه قال: حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن خالد بن جرير، عن أبي الربيع الشامي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سئل عن الشطرنج والترد؟ قال: لا تقرُّبُهُمَا. قلت: فالغناء؟ .... و معاني الأخبار: ص 226 باب معنى الآباء و المزفت و الحنتم و التقيح ح 1 - أبي رحمه الله قال: حدثنا سعد بن عبد الله، عن يعقوب بن يزيد، عن الحسن بن محبوب، عن خالد بن جرير، عن أبي الربيع الشامي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سئل عن الترد و الشطرنج؟ قال: لا تقرُّبُهُمَا... وسائل الشيعة: ج 17 ص 320 ب 102 ح 22655-10.

97 - تحف العقول، ص 335. وسائل الشيعة: ج 17 ص 85 ب 2 ح 22047-1.

ص: 64

98 - الكافي: ج 6 ص 437 باب الترد و الشَّ طرنج... ح 15 - عدّة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن ابن محبوب، عن ابن رثاب قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فقلت: جعلت فداك! ما تقول في الشَّ طرنج؟ قال: الْمُقَلَّبُ لَهَا كَالْمُقَلَّبِ لِحَمِّ الْخِنْزِيرِ. فقلت: ما على من قلب لحم الخنزير؟ قال: يَغْسِلُ يَدَهُ.

ضعف ابن روايت منجبر است به شهرت عمل شيعة و اجماع آنان.

99 - تفسيرالقمي: ج 1 ص 180، تفسيرالعياشي: ج 1 ص 339، وسائل الشيعة: ج 17 ص 321 ب 102 ح 22657، تفسيرالبرهان: ج 1 ص 497، تفسير نورالثقلين: ج 1 ص 669، بحارالانوار: ج 76 ص 228 ب 98 ح 1.

100 - تفسير مجمع البيان: ج 3 ص 370.

101 - سورة (22) الحج آية 31.

102 - فقه الرضا عليه السلام: ص 284 ح 4، و من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 58 باب حدّ شرب الخمر ح 5093.

103 - بحارالانوار: ج 73 ص 356 ب 67 ح 22 و مستدرک الوسائل: ج 13 ص 222 ب 81 ح 15188-3.

104 - تحف العقول، ص 355.

ص: 65

## برخی از تألیفات فارسی حضرت آیت الله شیخ حیدر ترقی کربلائی مدظله

آداب حج و عمره، اعمال و دعاهاى مستحب

از برکه غدیر تا بی کران عاشوراء

امامت اصل اصول دین محمدی صلی الله علیه و آله

امامت و رهبریّت حضرت فاطمة الزهرا سلام الله علیها

تبری و تولى اساس توحید

ترجمه زیارات ذبیح آل محمد صلی الله علیهم العاشورائیه

حجاب (نگاه، پوشش و روابط) از دیدگاه قرآن و عترت

حج در احادیث اهل بیت علیهم السلام

ربا اعلان جنگ با الله و رسولش

ریش تراشی از دیدگاه قرآن و عترت

غنا و موسیقی از دیدگاه قرآن و عترت

پاک نهاد دیرین حضرت زهیر بن القین علیه السلام (دفاعیه)

پرسش و پاسخ جلد 1 پرتوی حق (پاسخ شیعه به شبهات وارد شده از جانب وهابیان)

پرسش و پاسخ جلد 2 (جبر و عصمت انبیاء، علم و عصمت اهل بیت علیهم السلام)

پرسش و پاسخ جلد 3 فضل طینت نور (در عزاداری)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار حدیث شریف کساء یمانی (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار دعای صنمی قریش (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار زیارت جامعه کبیره (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار زیارت عاشوراء معروفه (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار زیارت عاشوراء ناحیه مقدسه (دفاعیه)

پژوهشی نوپرامون حدیث شریف کسای یمانۃ به روایت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

ص: 66

حریم و حیا

حضرت حرّ آزاد مرد شهید علیه السّلام (دفاعیّه)

حلاج مرتدّی به دار آویخته (ردّ تصوّف و فلسفه)

حور و آتش (دفاع از حضرت فاطمه و خدیجه سلام الله علیهما)

در محضر فقیه معارفی جلد 1 و 2 و 3 مجموعه ای نفیس از پاسخ به سؤالات و شبهات معارفی، قرآنی، فقهی، تاریخی، حدیث، درایه و منبع شناسی

گزیده ای از فقه طه و آل یاسین علیهم صلوات الله (فقهی فتوائی؛ عبادات، معاملات و ...)

مناسک حج و عمره (فقهی فتوائی)

یکصد و ده حدیث معارفی

و ...

ص: 67



بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

